ارزیابی خطاهای کتب طبقات امامیه درباره به قتل رسیدن زین‌الدین العاملی

آدم آریکان*
ترجمه: شیخ اسدوندی

چکیده: زین‌الدین عاملی که از او با عنوان شهید ثانی یاد می‌شود عالِمی شیعی - امامی است که در دوره سلطان سلیمان قانونی به استانبول آمده و به عنوان مدرّس مدرسه نوریه بعلبک تعیین شده است. یادداشت‌هایی که وی درباره‌ی زندگی خود نوشته، و نقل‌های شاگردش ابن العودی، که زمانی طولانی با او بوده است؛ درباره سه سال آخر عاملی و شهادت او هیچ آگاهی‌یی به دست نمی‌دهد. درباره به قتل رسیدن عاملی اطلاعات محدود و قابل مناقشه‌ای موجود است. برخی اطلاعات جدید مانند نوشته‌های النهروالی که شاهد کشته‌شدن عاملی بوده است؛ نادرست بودن اطلاعات مربوط به جریان، زمان، مکان و عوامل شهادت او در کتب تراجم امامیه و ناسازگاری آن با واقعیت‌های تاریخی را آشکار نموده است.

کلید واژه: شهید ثانی، زین الدین، شهید ثانی - ماجرای شهادت، عالمان شیعه - قرن دهم، تاریخ شیعه - شام، کتابهای تراجم - نقد و بررسی.

اشاره

آدم آریکان (ADEM ARIKAN) در سال ۲۰۱۰ دکترای تاریخ از دانشگاه استانبول گرفت. پایان نامه کارشناسی ارشد او دربارهٔ دیدگاههای دینی و سیاسی علامه حلی و پایان نامه دکترای او درباب شیعه در دورهٔ سلجوقیان است. مقالات متعددی در زمینه تاریخ تشیع در نشریات علمی کشور ترکیه نوشته است. متن اصلی این گفتار در نشریه دانشکده الهیات دانشگاه آنکارا، شماره ۱۹، سال ۲۰۰۹، صص۸۷-۱۱۲ منتشر شده است.

مقدمه

زین‌الدین بن علی بن احمد، مشهور به «الشهید الثانی» (م. ۹۶۵ه‍/۱۵۵۸م)، با انتساب به زادگاهش منطقه جبل عامل[۲] لبنان با نسبت «العاملی» نیز شناخته می‌شود.[۳] به دلیل اینکه دوره‌ای خاندان بشاره در منطقه جبل عامل حاکم بوده‌اند؛ نام این منطقه در برخی منابع به صورت «بلاد بنی بشاره» نیز رفته است.[۴]

زین‌الدین العاملی یکی از سرآمدان علمای امامیه است که آثاری بسیاری چون مسالک الإفهام و روضة البهیّة دارد که از منابع پایه‌ای فقه امامیه است. در سال‌های اخیر درباره‌ی زین‌الدین العاملی فعالیت‌های گوناگونی انجام شده است. در ماه مایس/ می ۲۰۰۱ در شهر صیدای لبنان، همایشی با عنوان الشهید الثانی: الخصوصیه و التواصل ترتیب داده شد.[۵] سمینار دیگری نیز با یک شمولی که شهید اول[۶] را نیز دربر می‌گرفت؛ در ۲۲ اوجاق/ ژانویه ۲۰۰۹ در شهر اصفهان ایران با عنوان مکانة الشهیدین فی مجال الحضارات الاسلامیة برگزار شد.[۷] نیز برگزاری سمینار دیگری به تاریخ نیسان - مایس (آوریل - می) ۲۰۱۰ در لبنان اعلام شده است.[۸] چاپ مجموعه آثار زین‌الدین به صورت یک دوره ۳۵ جلدی نیز پیش از برگزاری سمینار سال ۲۰۱۰ در لبنان برنامه‌ریزی شده است.[۹] دربارهٔ به قتل رسیدن زین‌الدین، نویسندگان بسیار مبالغه نموده و این واقعه را با پیش‌داوری، به عنوان نمونه‌ای از ظلم عثمانی‌ها درباره شیعیان[۱۰] قلمداد می‌کنند.

اطلاعاتی که زین‌الدین العاملی خود درباره‌ی زندگی‌اش نگاشته به روزگار ما رسیده است. اما این داده‌ها ده سال آخر زندگی او را دربر نمی‌گیرد. شاگرد زین‌الدین محمد بن علی العودی (زنده در ۱۵۶۷/۹۷۵) از سال ۱۵۳۳/۹۴۰م[۱۱] تا سال ۱۵۵۵/۹۶۲ نزد استاد خود بوده است[۱۲] و در موضوع زندگی استاد خود اثری با عنوان بغیة المرید[۱۳] نگاشته است. ابن

العودی در این اثرش، نوشته‌های استادش را نیز نقل نموده است. اثر ابن العودی در ده فصل سامان یافته است. اما در روزگار ما نسخه‌ی کاملی از آن شناسایی نشده است. علی بن محمد (م. ۱۶۹۲/۱۱۰۴)[۱۴] که از نسل زین‌الدین است تنها سه فصل این اثر را، در اثری که با عنوان الدر المنثور[۱۵] نوشته، جا داده است[۱۶] و خود نیز برخی اطلاعات را بر آن افزوده است.[۱۷] فصل‌های نقل‌شده در این کتاب همه‌ی نوشته‌های خود زین‌الدین را دربر دارد، و اطلاعات مربوط به زندگی خودش، تا ۱۵۴۸/۹۵۵ آمده است. نیز از محتوای آن فهمیده می‌شود که پس از سال ۱۵۵۳/۹۶۰ نوشته شده است.[۱۸]

از آثار زین‌الدین، شرح اللمعة منتشر شده و در مقدمه‌ی آن در رابطه با زندگی زین‌الدین اطلاعاتی داده شده است. جالب توجه اینکه در این مقدمه به متن بغیة المرید، بدون اینکه شماره صفحه داده شود، ارجاعات داده شده است[۱۹]. به نظر رضا مختاری که تحقیقاتی درباره‌ی زین‌الدین العاملی دارد نسخه‌ای وجود ندارد که همه‌ی فصل‌های بغیة المرید را دربرگیرد.[۲۰] رضا مختاری نوشته است که از محمد مهدی آصفی، نویسنده مقدمه‌ی شرح اللمعة، درباره نسخه خطی موجود در ارجاعات پرسیده است و از آصفی اینگونه پاسخ گرفته است که خود وی رساله ابن العودی را ندیده است؛ اما با واسطه‌ی روضات و اعیان الشیعه نقل نموده است.[۲۱] اطلاعات به‌دست آمده از مراجعه به منابع دست دوم را به‌مثابه‌ی نقل از نسخه‌ای[۲۲] غیر موجود [نمایاندن،] و اعتراف به آن بسیار معنادار است.

در رابطه با زندگی زین‌الدین تا سال ۱۵۴۸/۹۵۵م خلاصه‌ی اطلاعاتی را ذکر می‌کنیم که محتوای نوشته‌های خود او را نیز دارا است. در مرتبه دوم نیز، درباره زین‌الدین که پس از این تاریخ مخفیانه زیسته، روایت‌های ذکرشده در منابع شیعی را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

زندگی [نامه] زین‌الدین العاملی

زین‌الدین در تاریخ ۱۳ شوال ۹۱۱ (۹ مارت ۱۵۰۶)[۲۳] در لبنان جنوبی در روستای جبع در نزدیکی صیدا به دنیا آمده است.[۲۴] پیدایش شیعه در منطقه، به گونه‌ای آمیخته با افسانه، و تأثیر صحابه ابوذر غفاری (م. ۶۵۲/۳۲) در شیعه شدن مردم، تا حد ممکن به تاریخ‌های کهن برده شده است.[۲۵] در زمان تاریخ تولد زین‌الدین، منطقه در داخل مرزهای مملوکیان بوده است.[۲۶] و در زمان یاووز سلیم پس از جنگ‌های مرجیدابک (۱۵۱۶) و ردانیّه (۱۵۱۷) منطقه‌ی مورد بحث، تحت حاکمیت عثمانی درآمده است. به نظر برخی محققان، مملوکیان کاری با فعالیت‌های فرهنگی شیعیان نداشته‌اند، و اکثریت آنها از سربازان جاهلی تشکیل یافته بوده که نوشتن و خواندن نمی‌دانسته‌اند. اما حاکمان جدید منطقه و رهبری عثمانی، با دغدغه‌های مذهبی حرکت می‌نموده است.[۲۷] و به سبب مجادلاتی که با صفویان داشته است؛ به‌ویژه در برابر شیعیان، هشیارتر بوده است.[۲۸]

حاکمان منطقه‌ی زادگاه زین‌الدین، رهبرانی بومی با گرایشات شیعی بوده‌اند. شهر صیدا[۲۹] از سال ۱۵۱۱/۹۱۷م[۳۰] توسط ناصرالدین محمد بن الحنش اداره می‌شد. حکومت عثمانی نیز به ابن الحنش لوا داده و اداره منطقه را به او سپرده بود (۱۵۱۶/۹۲۲).[۳۱] اما پس از آشکار شدن روابط ابن الحنش با برخی حاکمان مملوکی، و شکست وی در برابر عثمانی‌ها، زمین‌های تحت رهبری او به دیگری واگذار شده و دستور دستگیری‌اش صادر شده بود. پس از یک‌دوره اختفاء، از سوی امیر طرابلس فرزند اسکندر پاشا، مصطفی بیگ، با استفاده از دوستی‌یی که قبلا بین آنها بوده [امنیت جانی] آشکار شدنش تأمین شده، و [سپس] کشته شده (۱۵۱۸/۹۲۴) و سرش سوی یاووز سلیم فرستاده شده است.[۳۲]

علیرغم اختلاف نظر محققان[۳۳]، بنابر قول قاضی معروف (م. ۱۵۶۴/۹۷۱) که در صیدا انجام مسئولیت نموده، ابن

الحنش شیعی (رافضی) است.[۳۴] صیدا پس از به قتل رسیدن ابن الحنش تا زمان مرگ یاووز سلیم از سوی نائبی که دولت تعیین می‌کرده اداره شده است. با مرگ یاووز، جانبردی که عصیان نموده بود (۹۲۶/۱۵۲۰)؛ ناصرالدین را کشته و فرزند او احمد را، به دلیل پشتیبانی که با خود داشته، به حکومت مناطقی رساند که تحت حاکمیت پدرش بود. اما جانبردی، در شورش خود موفق نشده و کشته شد. جز این در رابطه با احمد ابن الحنش تا مدتی طولانی در منابع، اطلاعاتی ذکر نشده است.[۳۵] در سال ۹۵۰ محمد بن الحنش در کرک نوح، به قدر زیادی وقفیات به وجود آورد و به سرپرستی آن نیز نقیب الاشراف سید علوان الحسینی را گمارد[۳۶]. هرچند علوان الحسینی، در اصل یک شیعی بوده، اما به مثابه‌ی یک شافعی به‌نظر می‌آمد.[۳۷] در دفاتر مهمّه، امیر شام به سال ۹۷۸/۱۵۷۱ در فرمانی که به قاضی و دفتردارش فرستاده، نام محمد ابن الحنش، به عنوان صاحب اقطاع، در ثبت‌های عثمانی جا گرفته است. مدت‌ها بعد، محمد نیز به سبب شورش، حبس و کشته شده است.[۳۸]

در اداره‌ی منطقه، حاکمانی با تمایلات شیعی مسئولیت داشته‌اند. از سوی دیگر، مراکز علمی شیعی نیز که با مدارس بسیارش نهادینه شده بود؛ به تأثیرگذاری خود ادامه می‌داد. زین‌الدین عاملی از خاندانی است که سرآمدان عالمان شیعی - امامی دوره را داشته[۳۹]، و در مقطعی که منطقه تحت حاکمیت عثمانی رفته، ده سال داشته است. برای تعلیم زین‌الدین پدرش علی بن احمد (م. ۹۲۵/۱۵۱۹) شروع نموده است. پس از آن آثاری مانند مختصر الشرائع، اللمعة الدمشقیة را خواند.[۴۰]

پس از مرگ پدرش در مراکز اطراف و نزدیک به تعلّم خود ادامه داد. ابتدا به روستای میس رفت و نزد علی بن عبدالعالی از سال ۹۳۳ (۱۵۲۷) به آموختن ادامه داد. سپس برخی آثار فقهی امامیه مانند شرائع الاسلام و الإرشاد را خواند. از میس به کرک نوح رفت. در آنجا نزد حسن بن جعفر [کتاب] قواعد میثم البحرانی در کلام، التهذیب و العمدة الجلیّة فی الأُصول الفقهیّة را در اصول فقه و از نحو الکافیة را خواند. در جمادی‌الآخره ۹۳۴ (۱۵۲۸) به موطن خود جبع بازگشت. پس از سپری چند سال با اشتغالات علمی در سال ۹۳۷ (۱۵۳۰-۱۵۳۱) به دمشق رفت و طب، ریاضی، فلسفه و قراءات را درس گرفت. در سال ۹۳۸ دوباره به موطن خود جبع بازگشت. تا پایان سال ۹۴۱ (۱۵۳۵) در جبع اقامت نمود و در آغاز سال ۹۴۲ (۱۵۳۶) به مصر رفت. در جریان این مسافرت از عالم حنفی، شمس‌الدین بن طولون الدمشقی، صحیحین را خواند و اجازه‌ی روایی گرفت. در این دوره شاگردش ابن العودی نیز در خدمتش بود؛ او نیز از ابن طولون اجازه گرفته است. در جریان مسافرت متوجه غزّه شد و با محیی‌الدین عبدالقادر بن ابی‌الخیر الغزّی دیدار کرد. الغزّی از کتابخانه‌اش به او یک کتاب از جمال‌الدین بن المطهّر (حلی) را اهدا نمود. طی مسافرت در آبادی‌ها و در مصر از علمای بسیاری با مذاهب گوناگون در زمینه‌های مختلف درس‌ها گرفت.[۴۱] در تاریخ ۱۷ شوال ۹۴۳ (۲۹ مارت ۱۵۳۷) از مصر برای حج و عمره به حجاز رفت. در تاریخ ۱۴ صفر ۹۴۴ (۲۳ تموز ۱۵۳۷) به موطن خود، جبع برگشت. تا سال ۹۴۶ در آنجا اقامت نمود. در کنار خانه‌اش بنای مسجدی آغاز شد که ساخت آن در سال ۹۴۸ به اتمام رسید.[۴۲] در تاریخ ۱۷ ربیع‌الآخر ۹۴۶ (۱ ایلول ۱۵۳۹) برای زیارت قبور امامان [علیهم السلام] راهی مسافرت به سوی عراق شد. گروهی متشکل از شیعیان و شاگردش ابن العودی نیز همراه او بودند. در این مسافرت نیز با برخی از علمای شیعه دیدار کرد.[۴۳] در ۱۵ شعبان (۲۶ آرالیق) به موطن خود بازگشت. در تاریخ ذی‌الحجه ۹۴۸ (۱۵۴۲) به قدس رفت. و نزد شمس‌الدین المقدسی، بخاری و مسلم خواند و دوباره به موطن خود برگشت. تا آخر سال ۹۵۱ با پرداختن به فعالیت‌های علمی در اینجا اقامت نمود.[۴۴]

سیاحت استانبول وتعیین برای مدرسه نوریّ واقع در بعلبک

زین‌الدین عاملی قصد رفتن به استانبول نموده، در تاریخ ۱۲ ذی‌حجه ۹۵۱ (۲۴ شباط / فوریه ۱۵۴۵) از وطن خود جدا شده است. ابتدا به دمشق رفت. پس از مدتی اقامت در دمشق، به حلب رفت. در ۱۶ محرم ۹۵۲ (۳۰ مارت ۱۵۴۵) به حلب رسید. تا تاریخ ۷ صفر (۲۰ نیسان / آوریل) در اینجا ماند. برای رفتن به استانبول مسیر متداولی را که از آدانا می‌گذشت رها نموده و بجای آن با قافله‌ی طلبه‌هایی که از راه توقات به استانبول می‌رفتند راهی شد. بنابر بیان خودش این مسیر خیلی مورد استفاده‌ی مسافران استانبول نبود. او، این ترجیحش را به استخاره منوط کرده است. در تاریخ ۱۲ صفر ۹۵۲ (۲۵ نیسان /آوریل ۱۵۴۵) به توقات رسیدند. در عمارت سلطان بایزید ماندند. از توقات به آماسیه گذشتند. در این دوره آماسیه از سوی شاهزاده مصطفی اداره می‌شد.[۴۵] پس از شانزده روز اقامت در آماسیه، دوباره به سوی استانبول به راه افتادند.[۴۶] روز دوشنبه ۱۷ ربیع الأول ۹۵۲ (۲۹ مایيس ۱۵۴۵) به استانبول رسیدند. هجده روز بی‌آنکه با کسی دیدار کند در استانبول ماند. در این روزها، رساله‌ای ده بحثه[۴۷]، حاوی هر نوع بحث فقه، تفسیر و دیگر موضوعات نوشته، و به قاضی‌عسکر، محمد بن قطب‌الدین (م. ۹۵۷/۱۵۵۰)[۴۸]، که با افتخار از او یاد نموده رساند. قاضی‌عسکر به او علاقه‌ی زیادی نشان داد و بینشان مذاکراتی در موضوعات بسیاری شد. در آن دوره کسانی که از بیرون به مرکز خلافت، استانبول می‌رفتند، گرفتن معرفی‌نامه از قاضی منطقه، ضروری بود.[۴۹] به زین‌الدین، «با نبود چنین نوشته‌ای به احتمال زیاد به مشکلات عدیده برخواهدخورد»، گفته شده بود. اما او، از قاضی چنین نوشته‌ای نگرفته، به جای آن رساله‌ای را که نوشته بود تقدیم کرده، و به جاهای مربوطه به آسانی رسیده بود. در دوازدهمین روز دیدارشان با قاضی‌عسکر، یک دفتر فرستاده شده، و انتخاب یکی از مسئولیتهای خواسته شده در حلب یا شام خواسته شده است. زین‌الدین نیز مدرسی مدرسه نوریه[۵۰] واقع در بعلبک را ترجیح داد.[۵۱] مسئول شدنش در مدرسه نیز به سلطان سلیمان عرض شده، یک برات[۵۲] نوشت و مقدار شهریه‌ای نیز که در وقفیه‌ی بانی مدرسه سلطان نورالدین ذکرشده بود [به وی] اختصاص داده شد.[۵۳]

زین‌الدین در استانبول به مدت سه ماه و نیم مانده است. روز شنبه ۱۱ رجب ۹۵۲ (۱۱ اکیم ۱۵۴۵) از استانبول حرکت کرده به اوسکودار رفت. در اینجا به انتظار شاگردش و رفیق‌راهش حسین بن عبدالصمد ماند.[۵۴]

زین‌الدین از استانبول به محل مسئولیت نرفته، ابتدا راهی عراق شده، مزارهای مختلف را زیارت نموده است. روز شنبه ۳ شعبان ۹۵۲ (۱۰ اکیم ۱۵۴۵) از اوسکودار خارج شدند. از طریق سیواس و ملاطیه به عراق رفتند. روز چهارشنبه ۴ شوال (۹ آرالیق) به سامرّا رسیدند و پس از زیارت قبر سلمان الفارسی و حذیفة الیمانی]در مدائن[برای زیارت قبر حضرت [امام] حسین [علیه السلام] به راه افتادند. در وسط ماه روز یکشنبه به آنجا رسیدند و تا روز جمعه ماندند. از آنجا به حلّه رفتند و قبر قاسم (فرزند موسی کاظم [علیه السلام]) را زیارت کردند. از آنجا به کوفه]و نجف[رفتند و قبر حضرت علی [علیه السلام] را زیارت نمودند. پس از زیارت مشاهد، در تاریخ ۱۷ ذیحجّه (۱۹ شباط/فوریه ۱۵۴۶) بازگشتند. زین‌الدین، علیرغم نزدیک‌بودن روز عاشورا، به‌دلیل برخی مشکلات، بجا نیاوردن زیارت روز عاشورا را ذکر نموده است.[۵۵]

اقامت در بعلبک ودرس‌هایش در مدرسه نوریه

زین‌الدین، هنگام پذیرفتن مسئولیت مدرسی در استانبول - علیرغم اینکه توصیه شده بود که محلی را که می‌خواهد در حلب و شام انتخاب کند - در ترجیح مدرسه نوریه بعلبک، وجود برخی مصلحت‌ها را قید نموده است.[۵۶] منظورش از این مصلحت‌ها، ترجیح مذهبی مردم منطقه و به سبب

بودن حاکمیت از مذهب خود، برای اجرای فعالیت‌هایش فضا مناسب خواهد بود. چون اکثریت جمعیت بعلبک از شیعیان تشکیل می‌شد.[۵۷] حاکمیت منطقه در دست آل حرفوش بود که شیعی[۵۸] بودند. در جریان شورش جانبردی (۱۵۲۱/۹۲۷) در منطقه ساکن شده بودند. از هر هرج و مرجی که در منطقه بروز می‌کرد برای افزایش قدرت خود استفاده کرده بودند. هر چند گهگاه از سوی حاکمان محلی عثمانی تأدیب شده بودند اما حاکمیت خود را تا قرن نوزدهم ادامه داده بودند.[۵۹] خاندان حرفوش که در منطقه حاکم بودند؛ مانند صفویه شیعیانی بودند که ابعاد تصوّفی نیز داشته‌اند.[۶۰] حکومت عثمانی نیز از روابط آل حرفوش با صفویان می‌تواند مظنون شده باشد.[۶۱] برای نمونه از این خاندان محمد بن علی الحرفوشی، عالمی است که دارای آثاری بوده و در شام اقامت داشته است. به رافضی‌گری متهم شده و هنگامی که به مقامات شکایت می‌شود، پنهانی ابتدا به حلب، از آنجا نیز به خاک صفوی رفته است. شاه عباس به او احترام زیادگزارده، در جایگاه صدارت علما به او مسئولیت داده است.[۶۲]

زین‌الدین، [قرار بود] در مدرسه نوریه بلعبک که اکثریت جمعیت آن شیعی و حاکمانش نیز گرایشات شیعی دارند انجام وظیفه نماید. پس از زیارت قبرهای واقع در عراق، در اواسط ماه صفر سال ۹۵۳ (نیسان / آوریل ۱۵۴۶) به موطن خود بازگشت. سپس با اقامت در بعلبک، شروع به تدریس در مدرسه نوریه نمود. در این دوره، تدریس زین‌الدین بر اساس پنج مذهب ثبت شده است. این نکته در افادات شاگرد او ابن العودی نیز آمده است.[۶۳] این ثبت، احتمال اجازه دادن حاکمیت عثمانی برای تعلیم مذهب امامیه را نیز به ذهن می‌آورد. اما بعضی قیودات برخی منابع، شبهه‌ی موجود در این موضوع را از میان برمی‌دارد. بنابر این ثبت‌ها زین‌الدین متهم به تسنّن بوده است. او، روزها چهار مذهب اهل تسنن؛ شبها نیز بر اساس مذهب امامیه درس می‌داده است.[۶۴]

در برخی منابع، آمده است که زین‌الدین برای انجام مسئولیت تدریس، پنج سال در بعلبک اقامت نموده است.[۶۵] حال آنکه او، پس از زیارت مقابر عراق، در اواسط ماه صفر سال ۹۵۳ (نیسان / آوریل ۱۵۴۶) به موطن خود برگشته و اقامت خود در بعلبک را آغاز نموده است.[۶۶] تاریخ ترک بعلبک را به طور دقیق نمی‌دانیم. اما اگر حتی دیرترین تاریخ آن، ۹۵۵ (۱۵۴۸) را درنظر بگیریم، طول کشیدن مسئولیت مدرسی او نه پنج سال، که دو سال خواهد بود.[۶۷]

درباره زندگی زین‌الدین یادداشت‌های خود او در این تاریخ (۱۵۴۸/۹۵۵) به پایان می‌رسد. شاگردش ابن العودی از این تاریخ، به پایان رسیدن روزهای امنیت‌دار استادش زین‌الدین را قید نموده است.[۶۸]

قتل او

زین‌الدین زندگی پس از سال ۱۵۴۸/۹۵۵ را مخفیانه گذرانده است. او علت ترک بعلبک و بازگشت به موطن خود را به عنوان «به جا آوردن امری الهی» بیان می‌دارد. این بیان او از سوی رضا مختاری «استخاره» بودنش تبیین شده است.[۶۹] احتمالا پس از دریافت برخی هشدارها، به عنوان تدبیر، نیاز به لزوم اختفا را حس نموده است. با استفاده از برخی ثبت‌های موجود در منابع درباره‌ی زندگی این دوره‌ی او، اگرچه کم، اما آگاهی‌هایی را می‌توانیم به‌دست بیاوریم. زین‌الدین در تاریخ ۱۲ صفر ۹۵۶ (مارت ۱۵۴۹) در خانه ابن العودی واقع در جزّین مخفی شده بود.[۷۰] در سال ۹۶۴ به تاج‌الدین بن هلال جزائری در مکه اجازت داده است.[۷۱] همان سال خارج شدن از منطقه و به مکه رفتن او قید شده است.[۷۲] بنابر ثبت بحرانی، زین‌الدین در تاریخ ۵ ربیع‌الاول ۹۶۵ (آرالیق ۱۵۵۷) در مکه دستگیر شده به استانبول آورده شده و به قتل رسیده است.[۷۳]

برای آخرین سال‌های زین‌الدین و داده‌های مناقشه‌انگیز در رابطه با به قتل رسیدن او، عموما اثر حرّ عاملی به نام أمل

الآمل [فی علماء جبل عامل] به عنوان منبع مورد استفاده قرار گرفته است. او، «شنیده‌ها» و «نوشته‌های برخی علما» ارجاع داده، وقایع به‌وجود آمده پس از قضاوت زین‌الدین درباره یک دعوا را به عنوان سبب [و] سرآغاز جریان کشته شدن او توضیح داده است.[۷۴] به گفته‌ی محققان شیعی، وظیفه‌ی قضاوت برای کسانی که در منطقه مذهب امامیه داشته‌اند، توسط عالمانی از مذهب خودشان انجام می‌شده است. از قاضی و مفتی‌های منصوب مقامات رسمی، تنها اسمی بود.[۷۵] چرا که زین‌الدین نیز از «قاضی و سلطان غیر مشروع (جائر)» سخن گفته و روایت‌هایی مبنی بر گناه کبیره بودن مراجعه به آنان، و جور درنیامدن نتایج بدست آمده در این محکمه با احکام الهی آورده است.[۷۶]

بنابر نوشته‌های حر عاملی، جریان به‌قتل رسیدن زین‌الدین اینگونه به‌وجود آمده است:

زین‌الدین دربارهٔ دعوای دو فرد نظر داده، فرد محکوم از نتیجه [قضاوت] ناراحت شده، پیش قاضی صیدا، به نام معروف رفته است. قاضی فردی را برای احضار زین‌الدین فرستاده است. در این دوره زین‌الدین مشغول نوشتن کتاب بوده است. یکی از کسانی که آنجا زندگی می‌کرده گفته است که مدتی به جای دیگری رفته است. زین‌الدین به‌فکر رفتن به مسافرت حج افتاد. پیش‌ترها به حج رفته بود، اما این مسافرت به منظور مخفی‌شدن بود. مسافرت خود را در محملی که امکان اختفا داشت انجام داد. قاضی صیدا، به سلطان «در بلاد شام وجود یک فرد بدعت‌گذار خارج از چهار مذهب» را نوشت. سلطان یکی را فرستاده، خواست که زین‌الدین را صحیح و سالم پیش خود او ببرند. می‌خواست او را با علمای کشور خود به بحث و گفتگو گذاشته و بعد از آن درباره‌ی او به تصمیمی برسد. فرستاده‌ی سلطان وقتی که رسید خبردار شد که زین‌الدین در راه مکه است. در راه به او رسید. درخواست همکاری زین‌الدین تا اتمام مراسم حج را پذیرفت. با اتمام حج به راه افتادند. به آناطولی (بلاد الروم) رسیدند. به یک نفر برخوردند که از زین‌الدین پرسید. مأمور پاسخ داد: «یکی از علمای شیعه امامیه را نزد سلطان می‌برم». شخص به مأمور به او گفت: «آیا نمی‌ترسی که او نزد سلطان از کوتاهی تو در خدمت، و اذیت شدنش توسط تو شکایت کند؟ او در نزد سلطان کمک خواهد شد؛ به این ترتیب، برای کشتن تو آدم‌هایی دارند که می‌توانند سبب کشتن تو شوند. کشتن او و بردن سر او نزد سلطان با عقل جور در می‌آید». مأمور، زین‌الدین را در ساحل دریا کشت. یک گروه ترکمن زندگی می‌کرد. شبانگاه دیدند که نوری در آنجا پایین می‌آید. زین‌الدین را در آنجا به خاک سپرده و گنبدی بر فراز آن ساختند. مأموری که زین‌الدین را کشته بود، سر او را نزد سلطان برد. اما سلطان از این وضع خوشحال نشد و گفت: «من به تو دستور دادم که او را سالم نزد من بیاوری، اما تو او را کشتی». در نتیجه‌ی همّت (غیرت) سید عبدالرحیم عباسی سلطان این مأمور را کشت.[۷۷]

نظرات قطب‌الدین النهروالی (م. ۱۵۸۲/۹۹۰)[۷۸] که شاهد قتل زین‌الدین بوده، متفاوت‌تر است:

در زمانی که حسن بیگ[۷۹] (م. ۱۵۷۶/۹۸۴) در شام قاضی بود، زین‌الدین در شام متهم به رافضی‌گری شد. قاضی حسن بیگ، زین‌الدین را احضار نموده، زین‌الدین گفته است که شافعی است و دو خلیفه نخستین و به طور عام فضیلت صحابه را قبول دارد. پس از این قاضی حسن بیگ، او را آزاد ساخته است. اما شخصی که نزد او بوده، گفته است که زین‌الدین یکی از علمای برجسته رافضی‌ها است که کتاب‌های زیادی نیز تألیف نموده است. حسن بیگ بار دیگر شخصی را برای احضار او فرستاد. اما این بار زین‌الدین مخفی شده بود. این وضع حسن بیگ را ناراحت نموده و از آزاد کردن او پشیمان شده بود. در این میان حسین بیگ، به قضاوت مکه منصوب شد. حسن بیگ در آنجا باخبر شد که زین‌الدین در مکه است و دستور داد او را دستگیر کنند. تلاش‌هایی که برای آزاد نمودن زین‌الدین شده بود

بی‌نتیجه ماند. زین‌الدین، با کدخدای جده به مصر و از آنجا نیز به استانبول برده شد و به دستور وزیر اعظم، رستم پاشا در تاریخ ۸ شعبان ۹۶۵ (۲۶ مایس ۱۵۵۸) کشته شده است.[۸۰]

نادرست بودن نظر حر عاملی در رابطه با این موضوع مسلّم است[۸۱]. اما این داده‌ها در بسیاری از منابع[۸۲] امامیه و نیز از سوی پژوهشگران معاصر در حال تکرار شدن است.[۸۳] برخی داده‌های مربوط به این اطلاعات نادرست را بررسی می‌کنیم.

آ. زمان

در نقد الرجالِ تفرشی (م. ۱۰۳۰/۱۶۲۱) تاریخ وفات زین‌الدین را به سال ۹۶۶ نوشته است[۸۴] کسانی که مانند حر عاملی این ثبت تفرشی را استفاده می‌کنند همان تاریخ را نقل می‌کنند.[۸۵] اما اطلاعات موجود نادرست بودن این تاریخ را روشن می‌سازد.[۸۶] تاریخنگاران دوره صفوی به قتل رسیدن زین‌الدین را سال ۹۶۵ ثبت کرده‌اند.[۸۷] حسن فرزند زین‌الدین نیز همین سال را تاریخ وفات پدرش می‌نویسد.[۸۸] قطب‌الدین نهروالی که شاهد قتل زین‌الدین بوده تاریخ دقیق را به شکل ۸ شعبان ۹۶۵ (۲۶ مایس/می ۱۵۵۸) به‌دست داده است.[۸۹]

ب. مکان

به نظر حر عاملی و کسانی که ثبت‌های او را استفاده کرده‌اند زین‌الدین، از سوی مأموری که او را به استانبول می‌برده، پس از رسیدن به آناطولی (بلاد الروم) در کنار دریا کشته شده است.[۹۰] محسن الأمین، در راه استانبول در روستایی به نام بایزید کشته شدنش را بیان داشته، دیتای دیگری را می‌دهد.[۹۱] تاریخنگاران صفوی آن دوره، نگاشته‌اند که زین‌الدین به استانبول برده شده و به قتل رسید است.[۹۲] میرزا عبدالله أفندی، بیانات تاریخ‌نگار صوفی حسن روملو را ترجمه نموده پس از نقل، از کشته‌شدنش در راه استانبول دفاع کرده است.[۹۳] خوانساری برای ثبت دیگری همان کار را انجام داده است.[۹۴] عبدالاحد سیرجانی در اثرش به نام تفسیر سورة الروم که به نام شاه طهماسب نگاشته، حبس شدن زین‌الدین در مسجد الحرام، فرستاده شدنش به استانبول از راه مصر، نپذیرفتن هیچ یک از گناهان اتهامی توسط زین‌الدین را نگاشته است.[۹۵] النهروالی که طی اقامت در استانبول شاهد به قتل رسیدن زین‌الدین بوده، نوشته است که او را به محکمه آورده و اعدام کرده‌اند.[۹۶]

بر اساس برخی منابع که کشته‌شدن زین‌الدین در راه را ثبت نموده‌اند؛ برای جنازه او از سوی ترکمن‌هایی که در آن مناطق زندگی می‌کرده‌اند بارگاه ساخته شده است.[۹۷] با استناد به مقامات الجزائری ثبت شده که به این بارگاه ساخته شده در خارج از استانبول نام مزار (زین)الدین داده شده است.[۹۸] به دلیل طرح قتل او در استانبول و نه در راه، نادرست بودن این اطلاعات نیز معلوم خواهد بود. بنابر روایت دیگری که برخی از منابع ثبت نموده‌اند جنازه‌ی زین‌الدین پس از سه روز نگهداری به دریا انداخته شده است.[۹۹]

فقط از مذهب دیگری بودن او، به عنوان تنها دلیل کشتن زین‌الدین نشان داده شده است. با گذر زمان شاید هم با دیگر اطلاعات جدید روشن خواهد شد. پیشاپیش فهمیده می‌شود که تأثیر زین‌الدین تنها بر منطقه‌ای که زیسته، محدود نمی‌شود. زیرا در سال‌های ۹۵۳-۹۵۴ (۱۵۴۶-۱۵۴۷) رسائل او در مشهد استنساخ می‌شده است.[۱۰۰] در آن دوره متهم شدن او به تبلیغ رافضی‌گری، از لحاظ سیاسی مفاهیم دیگری نیز داشته است. رافضی‌گری، درحالی که چالش مداوم حکومت عثمانی بوده چیزی است که با صفویه مرتبط است. رقابت سیاسی که در زمان وقوع حادثه، چنین نتایجی می‌توانست به بار بیاورد. چرا که عکس همان چیز نیز وجود داشت. عالمان سنی‌یی که در مناطق تحت حاکمیت صفویه بودند یا کشته شدند یا مجبور به ترک کشور خود شدند.[۱۰۱]

دیدگاهی که قتل زین‌الدین را سبب کوچ عالمان امامی مذهب منطقه جبل عامل از ترس حاکمیت عثمانی به دربار صفویه[۱۰۲] می‌داند، به تمامه درست نیست. مربوط دانستن

کوچ‌های پیش از این اتفاق، به این عامل درست نیست. از سوی دیگر بسیار قبل از این اتفاق کوچ‌هایی صورت گرفت.[۱۰۳] کوچ علمای منطقه به ایران، قبل از حاکمیت عثمانی آغاز شده بود. برای نمونه دربین کسانی که از منطقه به ایران کوچیده‌اند در رأس همه‌ی شناخته شدگان، محقق کرکی به سال ۹۱۶ (۱۵۱۰-۱۵۱۱) به ایران رفته، و به حاکمیت صفویه درآمده است. در این تاریخ، سخنی از حاکمیت عثمانی در منطقه مطرح نیست. به کرکی لقب نائب الإمام داده شده بود. برای عالمانی که درکار تبلیغ مذهب امامیه مجال انجام وظیفه می‌یافتند همانگونه که در دیگر مناطق بود به عالمان این منطقه نیز نامه‌ها فرستاده می‌شد.[۱۰۴] نادیده انگاشتن فرصت‌ها و امکانات اعطایی جذاب دولت صفویه به علمای شیعه مهاجر از منطقه به ایران[۱۰۵] و تنها سخن گفتن از فشار دولت عثمانی از سوی همان عالمان[۱۰۶]، به هیچ‌روی ارزیابی بی‌طرفانه‌ای نیست.

ج. کسانی که نامشان در رابطه با کشتن او ذکر شده

در ارتباط با به‌قتل رسیدن زین‌الدین از قاضی صیدا، به وزیر اعظم رستم پاشا، تا به سلطان سلیمان نام افراد زیادی ذکر شده است.

سلطان

در برخی منابع کشته شدن زین‌الدین به امر سلطان سلیم در تاریخ ۹۶۵ (۱۵۵۸)[۱۰۷] نوشته شده است. حال آنکه در این تاریخ سلطان سلیمان قانونی حکمران بود. در این منابع آیا سلطان سلیم یا پدر قانونی یاووز سلیم ؛ و یا اینکه مقصود فرزند او سلیم ثانی است روشن نیست.

در رابطه با قتل زین‌الدین بیشتر ارجاعات به نوشته‌های حر عاملی است که سلطان سلیمان قانونی، مثبت وصف شده است. بنابر این توضیح سلطان، زین‌الدین را به استانبول آورده و خواسته است که محاکمه شود. به فردی نیز که برای جلب او فرستاده، به‌ویژه زنده آوردن او را گوشزد نموده است. اما این مأمور زین‌الدین را در راه کشته بود. سلطان نیز که از این‌گونه کشته شدن زین‌الدین خوشحال نبود مأمور خودش را اعدام نموده بود.[۱۰۸]

تاریخنگاران صفوی آن دوره نوشته‌اند که زین‌الدین به امر وزیر اعظم، رستم پاشا کشته شده است.[۱۰۹] از سوی دیگر، حسن روملو کشته‌شدن زین‌الدین بدون عرض به سلطان را نیز علاوه نموده است.[۱۱۰]

رستم پاشا

رستم پاشا پس از مسئولیت‌های مختلف در دولت، به سال ۱۵۴۴/۹۵۱ به صدارت تعیین شده بود. با مهرماه - دختر [سلطان سلیمان] قانونی که از خرم زاده شده بود - ازدواج کرده بود. رستم پاشا، به نفع شهزاده بایزید که از خرم زاده بود، برای ولیعهد شدن او تلاش کرده بود. در همین راستا ترتیبی داده بود تا شهزاده‌ی بزرگ‌تر مصطفی را در رابطه با برقراری ارتباط با صفویان متهم نماید.[۱۱۱]

به [سال] ۱۵۵۵ درکشته شدن[۱۱۲] شهزاده مصطفی، نقش فعالی بازی نموده و درپی آن بر اثر دریافت واکنش سنگینی در ۱۵۵۳/۹۶۰ عزل شده، در ۱۵۵۵/۹۶۲ دومین بار به صدارت رسیده و تا زمان مرگ در تاریخ ۱۵۶۱/۹۶۸ در مسئولیت مانده بود.[۱۱۳] اما شهزاده بایزید نیز که به نفع او فعالیت‌ها صورت گرفته بود، به موقعیت نافرمانی افتاده و پس از ازدست دادن منصب به صفوی‌ها پناهنده شده و از جانب صفویان بازگردانده و کشته شده بود.[۱۱۴]

برخی منابع شیعی نگاشته‌اند که سلطان سلیمان، رستم پاشا را فرستاد تا زین‌الدین را برای محاکمه به استانبول بیاورد.[۱۱۵] مأمورکردن یک وزیر اعظم برای چنین کاری چندان معقول به نظر نمی‌رسد. به ویژه آنکه تاریخنگاران صفوی نوشته‌اند که زین‌الدین به دستور وزیر اعظم، رستم پاشا به قتل رسیده است.[۱۱۶] قطب‌الدین نهروالی نیز که شاهد

کشته‌شدن زین‌الدین بوده است؛ کشته شدن او به امر رستم پاشا را ذکر کرده است.[۱۱۷]

قاضی صیدا، معروف بن احمد

فردِ متهم به خبردادن زین‌الدین به سلطان، قاضی صیدا معروف است. نکته جالب توجه دیگر اینکه در اعدام محمد بن مکی جبل عاملی (م. ۷۸۶/۱۳۸۴) که از او در محافل شیعی امامی، با تعبیر شهید اول یاد می‌کنند نیز نام قاضی صیدا ذکر شده است.[۱۱۸] قاضی معروف اثری به نام کتاب البراهین النواقض دلالة الروافض[۱۱۹] دارد که به عنوان ردّیه‌ی دیدگاه‌های اثنی عشریه[۱۲۰] نوشته است. بر اساس اطلاعاتی که منابع آن دوره به دست می‌دهند شرف‌الدین معروف بن احمد الصهیونی الدمشقی الشافعی با عنوان «ابن الضُعَیّف شناخته می‌شود.[۱۲۱] در سال ۸۹۵/۱۴۹۰ زاده است.[۱۲۲] قاضی حارم از توابع حلب و صیدا از توابع طرابلس شده است.[۱۲۳] به سال ۹۴۹/۱۵۴۲ نیز به عنوان قاضی به حلب آمده است. در سال ۹۷۱/۱۵۶۴ در اوسکودار[۱۲۴] وفات نموده است[۱۲۵].

قاضی معروف، کتاب البراهین را در سال ۹۶۴/۱۵۵۷م[۱۲۶] نوشته است. او در این اثر برخی اسمها را ذکر کرده است، به اثرهایشان ارجاع داده، و دیدگاههایشان را بررسی می‌نماید. قاضی معروف، صاحب مسالک الإفهام[۱۲۷] و نام محمد بن جمهور را که بر این کتاب حاشیه نوشته را برده و دیدگاههای مدافع «برابر بودن حضرت علی [ع] در تمام کمالات و مقامات با پیغمبر [ص]»[۱۲۸] و «برتر بودن امامان [ع]، از همه‌ی پیامبران، به جز حضرت محمد [ص]»[۱۲۹] را نقل نموده و برای مخاطبش تعبیرات سنگینی را به‌کار می‌برد.[۱۳۰] زین‌الدین عاملی اثری به نام مسالک الافهام دارد که موضوعات فقهی را دربر می‌گیرد. اما اگر محتوایی که قاضی معروف در اینجا نقل نموده، مورد دقت قرار گیرد متوجه می‌شویم که این اثر، همان نوشتهٔ محمد بن]ابی[جمهور [به نام] مسالک الإفهام فی علم الکلام است که خود او نیز حاشیه‌ای بر این اثر نوشته[۱۳۱] است. چرا که قاضی معروف، در صفحه‌های پیشین نام حاشیه را به روشنی به صورت المنجی من الظلام ذکر کرده است.[۱۳۲]

درباره‌ی خبردادن زین‌الدین توسط قاضی معروف به سلطان، به جز اطلاعاتی که حر عاملی ذکر کرده، دست‌کم فعلا امکان تأیید شدن در منابع دیگر را ندارد. ردّیه قاضی معروف، به ویژه نقل ملاحظات مرتبط با شیعیانی که در منطقه زندگی می‌کنند، می‌تواند موجب قرارگرفتن شیعیان منطقه در وضع دشوار شده باشد. در حکایتی که حر عاملی دربارهٔ زین‌الدین العاملی پرداخته است، ممکن است قاضی معروف را به همین علت نیز وارد ماجرا کرده باشد[۱۳۳]*.

ابن الحنبلی (م. ۹۷۱/۱۵۶۳) که در همان دوره زندگی کرده است؛ در اثرش به نام درّ الحبب نوشته است که قاضی معروف در حارم از توابع حلب و در صیدا از توابع طرابلس قاضی بوده، نیز در سال ۹۴۹/۱۵۴۲ به عنوان قاضی به حلب آمد.[۱۳۴] ابن العودی نوشته است که پیش از سفر استادش به استانبول، پیش قاضی معروف رفته و درباره سفر استادش به استانبول سخن گفته است؛ قاضی معروف نیز - به دلیل مسئولیتی که در نتیجه این سفر متوجه او خواهد شد - از او خواسته است عریضه‌ای بنویسد که مورد قبول وی قرار نگرفته است.[۱۳۵] این مطالب ابن العودی، با مسافرت استانبول که زین‌الدین به سال ۹۵۱/۱۵۴۵ آغاز نموده مرتبط است. بنابر یادداشت‌های ابن الحنبلی، قاضی معروف در سال ۹۴۹/۱۵۴۲ قاضی حلب شده بود. چگونه دوباره دو سال پس از این تاریخ نامش به عنوان قاضی صیدا ذکر می‌شود. به نظر می‌آید احتمالا برای این کار، دومین مرتبه به همان شهر مأموریت یافته است. قاضی معروف، در کتاب البراهین که به سال ۹۶۴/۱۵۵۷م نوشته است، از دوره‌ای که در صیدا قاضی بوده، برخی خاطرات و شواهد خود را آورده است، در این مطالب نوع تعابیری که او به‌کاربرده نشان می‌دهد که مسئولیت قضاوت صیدا درگذشته به عهده وی بوده است.

به احتمال قوی در تاریخ‌های بعدی که زین‌الدین دستگیر شده و به قتل رسیده (۱۵۵۸/۹۶۵) قاضی معروف، در صیدا قاضی بوده است. از برخی اطلاعات مربوط به منابع آن زمان می‌توان نتیجه گرفت که قاضی معروف در این تاریخ قاضی صفد[۱۳۶] بوده است. از سوی دیگر در دوره‌ی عثمانی‌ها منطقه‌ی جبل عامل، تا سال ۱۶۶۰/۱۰۶۰ داخل مرزهای استان صفد، از توابع ولایت دمشق بود. پس از این تاریخ جزء توابع صیدا شده است.[۱۳۷]

خوانساری، که با ذکر تعبیر «ملعون» قاضی معروف را یاد نموده، منشأ تندی او در برابر زین‌الدین را قبل از مسافرت استانبول، نپذیرفتن «عریضه قاضی» و وجود احساس حسادت بیان می‌دارد.[۱۳۸] حال آنکه ابن العودی، شاگرد زین‌الدین، از وجود روابط خوب (صحبه و مداخله) بین قاضی معروف و استادش نگاشته است.[۱۳۹] این اتهام حرّ عاملی، امروزه نیز از سوی نویسندگانی که درباره زندگی قاضی معروف اطلاع می‌دهند نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.[۱۴۰]

اما بر اساس نوشته‌های نهروالی که شاهد کشته شدن زین‌الدین بوده است؛ نام قاضی شام حسن بیگ را به عنوان قاضی ذکر می‌نماید. قاضی حسن بیگ، زین‌الدین را محاکمه نموده و پس از آزاد کردن او یکی از کسانی که نزد او بوده، گفته است که زین‌الدین یکی از سرآمدان علمای روافض است که آثار زیادی نیز تألیف نموده است. حسن بیگ برای احضاره دوباره‌ی او، آدم فرستاد. اما این بار زین‌الدین مخفی شده بود.[۱۴۱] فعلا هویت فرد را که این اطلاعات را به حسن بیگ داده است نمی‌دانیم.[۱۴۲]

نتیجه

کشته‌شدن زین‌الدین عاملی از سوی حاکمیت عثمانی به اتهام رافضی‌گری، با زاویه دیدگاه‌های مختلف بحثی است که ادامه دارد.

اصلی‌ترین منابعی که اطلاعات کشته شدن زین‌الدین به آن‌ها متکی است اطلاعات اشتباه بسیاری را دربر دارد. قاضی صیدا، معروف، که در رابطه با قتل او متهم است؛ شخصی است که درباره‌ی دیدگاه‌های اثنی عشریه ردّیه نوشته است. او با درج مشاهدات شخصی خود نیز در این اثر، می‌تواند موجب در تنگنا قرارگرفتن شیعیانی شده باشد که منطقه زندگی می‌کرده‌اند. باز هم در این منابع پس از به قتل رسیدن زین‌الدین، عبدالرحیم العباسی به عنوان کسی که از نفوذ خود برای اعدام قاتل او استفاد کرده است؛ از لحاظ تاریخ مرگ او، دو یا با تاریخ ذکر شده در این منابع سه سال پیش [از این واقعه] ثابت است. در برخی از این منابع سلطان سلیم به عنوان سلطان این دوره ذکر شده است. حال آنکه سلطان این دوره، سلطان سلیمان قانونی است. در این تاریخ یاووز سلیم پدر قانونی زنده نبود. فرزندش سلیم ثانی نیز هنوز به حکومت نرسیده بود. وزیر اعظم، رستم پاشا، بلندپایه‌ترین مسئول دولتی است که در رابطه با این واقعه متهم شده است.

در تاریخ وقوع حادثه هر قدر که انجام فعالیت به نام مذهب، در وضعی باشد که مفاهیم سیاسی نیز دارا است، وجهی برای دفاع از کشته شدن یک عالم به خاطر مذهبش وجود ندارد. همان کار در این دوره درباره‌ی برنامه‌های به اجرا درآمده از سوی صفویه درمورد عالمان سنی کشته شده و یا مجبور به ترک وطن شده نیز موضوع گفتگو است. اما اطلاعات ما درباره‌ی زندگی زین‌الدین، دارای این‌همه تناقض و اشتباه عموما به منابع شیعی متکی است. تعمیم‌های صورت‌گرفته تنها از رهگذر این واقعه، به نتایج اشتباهی کشانده است. فارغ از بی‌طرفی آن، با پایه‌قرار گرفتن این اطلاعات اشتباه، اعتبار اتهامات وارده نیز روشن است.

پانوشت

۱. * [کتاب شیعه : عنوان مقاله «جعلیات کتب طبقات» است که چون تعبیر «جعل» در اینجا غلط است، به «خطا» تبدیل شد در سراسر مقاله نیز این تعبیر اصلاح شده است. پاره‌ای از مطالب دیگر نویسنده نیز

صحیح نیست که به برخی از آنها در پانوشتها اشاره کرده‌ایم].

+ دانشکده الهیات دانشگاه استانبول.

* . در ترجمه این اثر وامدار راهنمایی‌های استاد ارجمندم جناب آقای حسین متقی و دوست فرهیخته‌ام جناب آقای علیرضا آقازاده هستم. مترجم.

۲.برای اطلاعات بیشتر درباره منطقه نک. محسن الأمین، خطّة جبل عامل، بیروت: ۱۹۸۲؛ الأمین، حسن؛ «جبل عامل و وضع کنونی آن»، الدراسات الأدبیة، س: ۹، ش: ۱-۲، لبنان: ۱۳۴۶، ص۱۳۳-۱۴۶ (دو عدد نقشه نیز آورد شده است.)؛ هدی [؟] کورانی، «جبل عامل؛ مهد العلم و أرض الحرّیة»، نور الإسلام، س۶، ش۷۱-۷۲، بیروت: ۲۰۰۱،

http://www.nooralislam.org/last/7172fodf7172/noor10.pdf

03.02.2009

۳. درباره‌ی نامش ثبت‌های به شکل زین‌الدین علی، اشتباه است. زین‌الدین نه لقب، که نام او است. علی نام پدر او است. خودش نیز نامش را به صورت زین‌الدین بن علی بن احمد الشامی العاملی ثبت کرده است. میرزا عبدالله الأفندی الإصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء: قم، ۱۴۰۱، ج۲، ص۳۸۲؛ محسن الأمین، أعیان الشیعة: تحقیق: حسن الأمین، بیروت، ۱۹۸۳، ج۷، ص۱۴۴.

۴. علی بن درویش: جبل عامل بین ۱۵۱۶-۱۶۹۷: الحیات السیاسیة و الثقافیة: بیروت، ۱۹۹۳، صص۳۸-۳۹؛ مقدمه: عبدالرحیم ابوحسین،

Vew from Istanbul, Ottoman Lebanon and the Druze Emirate. London, 2002, s. 135.

5.http://www.nabolsi.net/view-this-it.php?idmenu=702.

13.02.2009

برای اطلاعات کوتاه درباره شرکت کنندگان در سمینار و موضوعات مطرح‌شده نک-: «الشهید الثانی، الخصوصیة و التواصل المؤتمر الثانی لإحیاء تراث جبل عامل»: المنهاج، شماره ۲۳، بیروت: ۱۴۲۲/۲۰۰۱، صص۳۵۱-۳۵۶؛ مختاری، رضا؛ گزارشی کوتاه از کنگره شهید ثانی، پژوهش و حوزه: شماره ۵، قم: ۱۳۸۰، صص۱۶۵-۱۷۰.

۶. به نظر طرفداران شیعی امامی، شمس‌الدین محمد بن مکی جبل العاملی، که از او با عنوان شهید اول یاد می‌شود؛ به سبب عقایدش در شام محبوس شده و در سال ۷۸۶/۱۳۸۴ اعدام شده است. أعیان الشیعة: ج۱۰، ص۵۹.

7. http://www.shahidavn.com/index.ar.php?oage=Posts.

ViewPost&id=64. 2009.02.13.

هر دو سمینار در متن محققان موجود شرکت‌کننده، هنوز امکان دسترسی نداشته‌ایم.

8.http://www.shahidavn.com/index.ar.php?page=General.

ArticleSummon, 26.01.2009.

9.http://www.isca.ac.ir/ar/index.php?option=com-content&tas

k=view&id=22Q&Itemid=33, 12.02.2009.

10. Devin J. Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-'Āmilī", Die Well des Mam, Vol. 48, Nu. 3-4, 2008 , (ss. 289-347), s. 290.

۱۱. درباره درست نبودن این‌که معاشرت وی از سال ۹۴۵ آغاز شده (علی بن محمد، الدر المنثور من المأثور و غیر المأثور، ۱۳۹۸، ج۲، ص۱۵۱) نگاه کنید به: مختاری، رضا؛ پژوهشی در تاریخ زندگی شهید ثانی (۱)، نورعلم، شماره ۲۲، قم، ۱۳۶۶ (صص۱۲۲-۱۳۴) ص۱۲۲. مقدمه، اعیان الشیعة، ج۷، ص۱۴۶، در این اثر به جای تاریخ ۹۶۲، به اشتباه ۹۷۲ داده شده است.

۱۲. الدر المنثور: ج۲، ص۱۵۱.

۱۳. بغیة المرید فی کشف عن احوال الشهید.

۱۴. علی بن محمد بن حسن بن زین‌الدین.

۱۵. علی بن محمد، الدر المنثور، قم: ۱۳۹۸.

۱۶. الدر المنثور: ج۲، صص۱۴۹-۱۵۰.

۱۷. أعیان الشیعة: ج۷، ص۱۴۶؛ المهاجر، جعفر؛ جبل عامل بین الشهیدین: دمشق، ۲۰۰۵، ص۲۱۶؛ رضا مختاری، پژوهشی در تاریخ زندگی شهید ثانی (۱)، صص۱۲۲ و ۱۲۳.

۱۸. در لابه‌لای نوشته‌های زین‌الدین درباره آماسیه که در راه استانبول آن‌را دیده، از اداره شهر توسط شاهزاده مصطفی و کشته شدن او توسط پدرش سخن گفته است (الدر المنثور: ج۲، ص۱۷۳) کشته شدن شهزاده مصطفی در سال ۹۶۰/۱۵۵۳ (نک:

Solakzade, Solakzade Tarihi, Ankara: Kürltür Bakanlığı, 1989, II, s. 229- 35: Hasan Beyzade Ahmed, Tarih, Ankara: Turk Tarih Kurumu, 2004, II, s. 127-32; Müneccimbaşı Ahmed Dede, Müneccimbaşi Tarihi, şev. Ismail E. Erünsal, Istanbul: Tercüman Gazetesi, t.y.,II, s. 56; Şerafettin Turan, Kanuni Süleyman Dönemi Taht Kavgalari, Ankara : Bilgi Yaymevi, 1997, s. 28-9.

(صولاقزاده، صولاقزاده تاریخی، آنکارا: وزارت فرهنگ، ۱۹۸۹، ج۲، صص۲۲۹-۲۳۵؛ حسن بیگ‌زاده احمد، تاریخ، آنکارا: مؤسسه تاریخ ترک، ۲۰۰۴، ج۲، صص۱۲۷-۱۳۲؛ منجم‌باشی احمد دده، منجم‌باشی تاریخی، ترجمه: اسماعیل ا. اِرونسال، استانبول: نشریه ترجمان، بدون تاریخ، ج۲، ص۵۶؛ شرف‌الدین توران، قانونی سلیمان دؤنمی تخت غوغالاری = جدال تاج و تخت در دوره سلیمان قانونی، آنکارا، انتشارات بیلگی، ۱۹۹۷، صص۲۸-۲۹) با توجه [به این‌ها]، متوجه می‌شویم که زین‌الدین اثر خود را پس از این تاریخ نگاشته است.

[کتاب شیعه: مطالب مربوط به سال ۹۶۰ در زندگی‌نامهٔ شهید، از اضافات شاگرد شهید ابن عودی است، نه از خود شهید.

رك: رسائل الشهید الثانی، ج ۲، ترجمة الشهید بقلمه الشریف].

۱۹. نک: الشهید الثانی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة، تحقیق: محمد کلانتر، قم: ۱۴۱۰، ج۱، صص۱۸۳، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۸.

۲۰. الشهید الثانی، منیة المرید فی أدب المفید و المستفید: تحقیق: رضا المختاری، قم: ۱۴۰۹ (مقدمه)، ص۱۰.
۲۱. المختاری، مقدمه منیة المرید، ص۵۲.
۲۲. مرکز فقه العاملی لإحیاء التراث، وجود یک نسخه‌ی خطی آنرا قید نموده است.
http://www.alameleva.org/index.php?id=34، 2009.01.17.
اما تصریح شده است که در این نسخه تنها قسمت‌های نقل شده در الدر المنثور آمده است.
۲۳. الدر المنثور، ج۲، ص۱۵۸.
۲۴. صادقی، علی؛ الشهید الثانی، (ترجمه به عربی: کمال السید)، قم: ۱۴۱۵/۱۹۹۵، ص۲۵.
۲۵. برای داده‌ها و ارزیابی‌ها نک-: المهاجر، جعفر؛ التأسیس لتاریخ الشیعه فی لبنان و سوریه: بیروت: ۱۹۹۲، ص۲۱ و دیگر.
۲۶. برای موقعیت شیعیان در منطقه در دوره مملوکیان نک:
Abdul-Rahim Ebu Husayn, "The Shiites in Lebanon and The Ottomans in The 16th and 17th Centuries," in La Shia Nell'imprero Ottomano. Rome: Accademia Nazionale Dei Lincei, 1993, (ss. 107-19), s. 108- 11.
۲۷. المهاجر، جعفر؛ جبل عامل بین الشهیدین: دمشق، ۲۰۰۵، ص۲۱۸؛ المهاجر، جعفر؛ الهجرة العامليّة إلی ایران فی العصر الصفوی، بیروت: ۱۹۸۹، ص۹۴.
۲۸. المهاجر، الهجرة العاملية: ص۳۵.
۲۹. همراه با سنی‌های صیدا، شیعیان و دروزیان نیز زندگی می‌کرده‌اند. اسناد عثمانی آن دوره، در حالی که عناصر دینی این منطقه را تقسیم نموده، همه این گروه‌ها را تحت عنوان مسلمان ثبت نموده است:
Muhammed Adnan Bakhit, "Sidon in Maluk and Early Ottoman Times", Osmanlı Araştırmaları, Sayr. 3, Istanbul, 1982, (ss. 53-68), s. 58.
(محمد عدنان باحث، "صیدا در دوره ممالیک و اوائل دوره عثمانی"، عثمانلی آراشدیرمالاری [پژوهش‌های عثمانی]، شماره ۳، استانبول، ۱۹۸۲، (صص۵۳-۶۸)، ص۵۸.)
۳۰. ابن طولون، ابوالفضل شمس‌الدین محمد بن علی؛ مفاکهة الخلّان فی حوادث الزمان، نشر: خلیل المنثور، بیروت: ۱۹۹۸، ص۲۳۶؛ عبدالعزیز سلیم، تاریخ مدینة صیدا فی العصر الإسلامی، اسکندریه: ۱۹۸۶، ص۱۶۲؛ حسن عباسی نصرالله، تاریخ کرک نوح، دمشق: ۱۹۸۶، ص۲۸.
۳۱. ابن طولون، مفاکهة الخلان، ص۳۴۰؛ نصرالله، تاریخ کرک نوح، ص۳۰.
۳۲. منجم‌باشی تاریخی، ج۲، ص۴۷۹. برخی منابع نیز کشته‌شدن جانبردی از سوی الغزالی را ثبت نموده‌اند. برای داده‌ها نک: ابن طولون، اعلام الوری بمن ولی نائبا من الأتراک بدمشق، تحقیق: محمد احمد دهمان (؟ دحمان)، چاپ دوم، دمشق، ۱۹۸۴، ص۲۴۵؛ نصرالله، تاریخ کرک نوح، صص۳۰-۳۲ و ۵۵؛ سلیمان ظاهر، تاریخ الشیعة الثقافة الدینی، بیروت: ۱۴۲۲/۲۰۰۲، ج۳، ص۷؛ سالم، تاریخ مدینة صیدا، صص ۱۶۲ و ۱۸۵؛ ابوحسین، View from Istanbul، صص۱۴-۱۵؛ ابوحسین, Provincial Leaderships in Syria, 1575-1650، بیروت: ۱۹۸۵، صص۶۸-۶۹؛ محمد عدنان الباحث، دور اسرات آل الحنش، دراسات تاریخیة، شماره ۱۳-۱۴، ۱۴۰۴/۱۹۸۳، دمشق، صص۸۸-۱۳۷، (برای انگلیسی آن نک-:
M. A. al-Bakhit, 'The Role of the Hanash Family and the Tasks Assigned to It in the Countryside of Dimashq al-Sham, 790/1388-976/1568: A Documentary Study", Land Tenure and Social Transformation in the Middle East, ed. T. Khalidi, (Beirut, 1984, s. 257-89).
۳۳. عبدالرحیم ابوحسین, ابن الحنش را به عنوان یک رهبر سنی بدوی می‌شناساند. . View from Istanbul, s. 14 krş. M. A. al-Bakhit, "The Role of the Hanash Family", s. 257'; ؛ حسن عباس نورالله، از مذهب شافعی خاندان حنش را ثبت نموده است. تاریخ کرک نوح، صص۲۱ و ۹۸.
۳۴. قاضی معروف، کتاب البراهین، ص۱۰۵a، (کتابخانه دولتی با یزید، ۱۹۰۱۵).
۳۵. نصرالله، تاریخ کرک نوح، ص۳۲.
۳۶. [کتاب شیعه: متن این وقفنامه در همین شمارهٔ کتاب شیعه چاپ شده است].
۳۷. نصرالله، تاریخ کرک نوح، ص۹۹. برای تاریخ متن وقفیه و دیگر داده‌ها نک: [لشامي العاملي ثبت کرده است.: ص۱۷۳ و دیگر. برای متن وقفیه جداگانه نک: الباحث، دور أسراة آل الحنش، صص۱۲۱-۱۲۷.
۳۸. نصرالله، تاریخ کرک نوح، صص۳۲ و ۳۵؛ الباحث، دور اسراة آل الحنش، ص۹۹. در رابطه با قید مهمه نک: ۱۲۸.
۳۹. این خاندان این ویژگی‌اش را، در نسل‌های بعدی نیز ادامه داده است. أعیان الشیعة: ج۷، ص۱۴۴.
۴۰. جهت داده‌ها نک-: الدرّ المنثور، ج۲، ص۱۵۸.
۴۱. در رابطه با این عالمان و درس‌هایی که خوانده شده است نک: الدر المنثور، ج۲، صص۱۶۷-۱۶۸؛ أعیان الشیعة: ج، صص۱۴۸-۱۴۹.
۴۲. این خانه و مسجد را مؤلف اعیان الشیعة، محسن الأمین (م. ۱۹۵۲) دیده است. ج۷، ص۱۵۰. [کتاب شیعه: خانه و مسجد شهید در جبع اکنون نیز موجود است و مسجد شهید تعمیر شده است].
۴۳. پس از بازگشت به موطن خود ارتباط با این‌ها ادامه داشته است. هنگامی که پرسش‌ها می‌رسید پاسخ آنها را نوشته و می‌فرستاده است. الدر المنثور، ج۲، ص۱۶۹.
۴۴. أعیان الشیعة: ج۷، ص۱۴۷.
۴۵. بنابر یادداشت‌های زین‌الدین، سلطان سلیمان به سبب ترسی که

درباره سلطنت از جانب فرزندش داشت شاهزاده را در سال ۹۶۰/۱۵۵۳ کشته بود. در همان سال فرزند دیگرش جهانگیر نیز در حلب مرده بود. گفته شده است که او را نیز پدرش کشته است. الدر المنثور، ج۲، ص۱۷۳.

۴۶. زین‌الدین العاملی در این مسیر از میوه و سبزی‌ها تا گل‌ها اطلاعات زیادی با زبانی بسیار متحیرانه نگاشته است. الدر المنثور، ج۲، ص۱۷۳.

۴۷. اثر او به نام الإسطنبولية فی الواجبات العينيّة که هنگام اقامت در استانبول نوشته است (نشر: احمد العابدی، رضا المختاری، تراثنا، ممارہ ۲۲، ۱۴۱۱هـ صص۱۶۷-۲۰۴، http://www.rafed.net/turatho-na/22/22-6.html، ۱۹ اوجاق / ژانویه ۲۰۰۹) از این اثری که ارائه شده متفاوت است (مقدمه، ص۱۷۱) او، در این رساله‌اش صریحا از تعلّق امامت حضرت علی و اولادش [علیهم السلام] دفاع می‌کند (ص۱۸۵) تقدیم نمودن یک چنین اثری که حاوی دیدگاه‌های او است؛ به مقامات مرکز آن‌زمان سنی‌ها خیلی هم مناسب نمی‌بود.

[کتاب شیعه: رساله‌ای که شهید در ده موضوع برای این منظور در استانبول نوشته، مفقود شده و به دست ما نرسیده است. الاسطنبولية رساله‌ای دیگر است که صرفاً به دلیل تألیف در استانبول، بدین نام نامیده شده است].

۴۸. نام قاضی‌عسگر اینگونه آمده است: محمد بن قطب‌الدین بن محمد بن محمد بن قاضی‌زاده الرومی. الدر المنثور: ج۲، ص۱۷۴. برای داده‌ها و اطلاعات درباره قاضی عسگر آناطولی، محمد چلبی بن قطب‌الدین که در مدارس گوناگون مدرّس بوده و در مناطق گوناگون مسئولیت قضاوت داشته است نگاه کنید به: تاش‌کبری‌زاده، الشقائق النعمانية فی علماء العثمانية، بیروت: ۱۹۷۵، ص۲۶۷؛ مجدی محمد افندی، حدائق الشقائق، نشر: عبدالقادر اؤزجان، استانبول: ۱۹۸۹، ج۱، صص۴۴۸-۴۴۹؛ الغزّی، الكواكب السائرة بأعيان المائة العاشرة، نشر: خلیل المنصور، بیروت: ۱۹۹۷، ج۲، ص۱۹.

۴۹. برای داده‌های اطلاعات این عملیات که به [نام] ﴿تذکره مرور﴾ و دیگر نام‌ها نیز نامیده می‌شود نگاه کنید به:

Mubahat S. Kutukoglu, "Mürur Tezkiresi", DIA, XXXII, s. 60-1.

۵۰. برای اطلاعات کوتاه و تصویر باقیمانده‌اش نگاه کنید به:

http://alintiqad.eom/e.ssavdetails.php?eid= 1938&cid=51, 13.01.2009.

۵۱. الدر المنثور: ج۲، صص۱۷۴-۱۷۵.

۵۲. برای نمونه برخی برات‌ها نگاه کنید به:

Ismail Hakkt Uzunçarşili, Osmanh Devletinin Imiye Teşkilatı, Ankara. 1988. s. 77-81

(اسماعیل حقی اوزون‌چارشی‌لی، تشکیلات علمیه دولت عثمانیه، آنکارا: ۱۹۸۸، صص۷۷-۸۱.)

۵۳. الدر المنثور: ج۲، ص۱۷۵.

۵۴. برای اطلاعات بیشتر درباره کارهایی که طی اقامت در استانبول انجام داده، نگاه کنید به: الدر المنثور: ج۲، صص۱۷۵-۱۷۷. مارکو سالاتی، مقاله‌ای نوشته است که موضوع آن این سیاحت زین‌الدین است.

"Ricerche sullo sciismo nell'Impero ottomano: il viaggio di Zayn al-Dîn al-Sahid al-Tânî a İstanbul al tempo di Solimano il Magnifico (952/1545)", Orients Moderno, sayi: 9, (ayri basim) Roma 1990, ss. 1-12.

(شماره ۹، (چاپ دیگر) رم، ۱۹۹۰، صص۱۲-۱.)

۵۵. الدر المنثور: ج۲، صص۱۷۸-۱۸۱.

۵۶. الدر المنثور: ج۲، ص۱۷۵.

57. Abu Husayn, View from Istanbul, s. 123.

۵۸. المحبّی، خلاصة الأثر فی أعيان قرن الحادی عشر، بیروت: دار صادر، ج۴، ص۴۳۲؛ ابن محاسن، المنازل المحاسنية فی الرحلة الطرابلسية، نشر: م. ا. البلهیت؟، بیروت: ۱۹۸۱، ص۴۰؛ محمد عدنان باحث، The Ottoman Province of Damascus in the Sixteenth Century، بیروت: ۱۹۸۲، ص۲۸؛ (۱۴۱. پانوشت)، ۱۷۵؛ محمد تقی الفقیه، جبل عامل فی التاریخ، بیروت، ۱۹۸۶، ص۱۶۵؛ درویش، جبل عامل، صص۱۱۶-۱۱۹؛ ابوحسین، Seyyid Muhammed es-Seyyid ؛View from Istanbul، page 124 Mahmud, "Harfuş", DIA, XVI. (ss. 165-7), s. 166. (سید محمد السید محمود، حرفوش، دایرة المعارف اسلام دیانت، ج۱۶، ص۱۶۶.).

۵۹. حسن عباس نصرالله، تاریخ بعلبک، بیروت، ۱۹۸۴، ج۱، ص۲۲۴ و دیگر، نصرالله، تاریخ کرک نوح، ص۵۷، و دیگر؛ ابوحسین، شیعیان در لبنان و عثمانی در قرن ۱۶ و ۱۷ (عنوان لاتین)، ص۱۱۳ و دیگر؛ نوفان رجا الحمود، العسكر فی بلاد الشام فی قرن السادس عشر و السابع عشر الميلادين، بیروت، ۱۹۸۱، صص۱۶۶-۱۶۹؛ ادریس بستان، بعلبک، DİA (دایرة المعارف اسلام دیانت)، ج۵، (صص۹-۱۱)، ص۱۰.

60. Abdul Rahim Abu Husayn, Provincial Leaderships in Syria 1975-1650, s. 129;

درویش، جبل عامل، ص۱۰۹.

61. Abu Husayn, Provincial Leaderships, s. 134.

۶۲. المحبی، خلاصه، ج۴، ص۴۹؛ نصرالله، تاریخ کرک نوح، ص۸۸؛ المهاجر، الهجرة العاملية، ص۹۵.

۶۳. الدر المنثور: ج۲، ص۱۸۲؛ نیز بنگرید: الحر العاملی، أمل الآمل، بغداد، ۱۳۸۵، ج۱، ص۱۸۹؛ یوسف بن احمد البحرانی، لؤلؤة البحرين، تحقیق: م. س. بحرالعلوم، بیروت، ۱۹۸۶، ص۳۱؛ الخوانساری، روضات الجنات، نشر: اسدالله اسماعیلیان، تهران؛ قم، ۱۳۹۱، ج۳، ص۳۷۳. المیرزا النوری، خاتمة المستدرک، قم، ۱۴۱۵، ج۲، ص۲۵۸؛ اعیان الشیعه: ج۷، ص۱۴۵.

۶۴. محمد بن علی الأحسائی، عوالی اللآلی العزيزية فی الأحاديث الدينية، تحقیق: مجتبی العراقی، قم، ۱۹۸۳، ج۱، صص۱۰-۱۱ (بیانات نعمت الله جزائری که بر کتاب شرح نوشته است.)؛ رضا مختاری، مقدمه منیه،

ص۴۷؛ همان مؤلف، «پژوهشی در تاریخ زندگی شهید ثانی ۴»، ص۱۳۶.
۶۵. اعیان الشیعة، ج۷، ص۱۴۵؛ درویش، جبل عامل، صص۱۳۱ و ۱۷۹.
۶۶. الدرّ المنثور: ج۲، ص۱۸۲.
۶۷. المهاجر، جبل عامل بین الشهیدین، ص۲۲۵.
۶۸. الدر المنثور: ج۲، ص۱۸۲؛ نوشته‌های زین‌الدین در راجع زندگی خودش، با تحقیق رضا المختاری در جلد دوم رسائل الشهید الثانی دوباره منتشر شده است. جهت متن نگاه کنید به:
http://www.shahidavn.com/index.ar.php?page=Librarv.
Pari&partid=2324&id=6، 2009.03.13.
قسمت دیگرش با تغییرات در مقدمه‌ی (صص۱۳-۲۵) کشف الریبة فی احکام الغیبة (تحقیق: علی الخراسانی الکاظمی، بیروت، ۱۹۸۷)؛ نیز در مقدمه‌ی (ص۲۷-۳۴) التنبیهات العلیة علی وظائف الصلاة القلبیة (تحقیق: صفاءالدین البصری، مشهد، ۱۴۱۳) نیز آمده است.
۶۹. با تحقیق رضا المختاری، «ترجمة الشهید بقلمه الشریف»، در: رسائل الشهید الثانی، ج۲،
http://www.shahidayn.com/index.ar.php?page=Library.
Part&partid=2324&id=6،، 2009.03.13.
۷۰. البحرانی، لؤلؤة البحرین: ص۳۴.
۷۱. عبدالله افندی، ج۲، صص۳۸۲ -۳۸۳.
۷۲. المهاجر، جبل عامل بین الشهیدین، ص۲۲۵.
۷۳. البحرانی، لؤلؤة البحرین، ص۳۴.
۷۴. الحر العاملی، أمل الآمل: ج۱، ص۹۰.
۷۵. محسن الأمین، خطط جبل عامل، بیروت، ۱۹۸۲، ص۱۳۷-۱۳۸؛ درویش، جبل عامل، ص۱۴۷.
۷۶. مسالک الافهام، قم، ۱۴۱۴، ج۳، ص۱۱۰؛ ج۱۳، ص۳۳۵. نیز نگاه کنید به: محمد رضا موسویان، «شهید ثانی و زندگی در دولت جائر»، علوم سیاسی، شماره: ۴، قم، ۱۳۷۸، صص۴۹-۷۱.
۷۷. الحر العاملی، أمل الآمل، ج۱، ص۹۰. بدون تغییر مضمون خلاصهٔ آن آورده شده است.
۷۸. النهروالی (۹۱۷-۹۹۰/۱۵۱۱-۱۵۸۲)، با آثارش درباره‌ی مکه و یمن مشهور است. با شرفای مکه و عثمانی‌ها ارتباط داشت و در نتیجه او را استخدام نموده بودند. افراد دولتی را که به مکه می‌رفتند راهنمایی می‌کرد. به عنوان مفتی و قاضی مکه تعیین شده بود. برای مدرسه سلیمانیه که از سوی قانونی ساخته شده بود نخستین مدرس حنفی تعیین شده بود (۹۷۵/۱۵۶۷). در سال ۹۶۵/۱۵۵۸ به عنوان فرستادهٔ شریف مکه در استانبول حضور داشت. (ایمن فؤاد سید، «نهروالی»، دایرة المعارف اسلام دیانت، ج۳۲، ص۵۴۷-۵۴۸.)
۷۹. ملا حسن بیگ به سال ۹۵۹ (۱۵۵۲) در منصب قضاوت شام دو سال، سپس در بغداد به سال ۹۶۳ (۱۵۵۶)، و برای دومین بار در قضاوت شام اندکی بیش از یک سال انجام وظیفه نموده است. در تاریخ شوال ۹۶۴ (۱۵۵۷) به قضاوت مکه تعیین شده بود. از تاریخ ربیع الآخر ۹۶۵ (۱۵۵۸) نیز به قضاوت قاهره منصوب شده بود. مجدی، حدائق الشقائق، ج۲، صص۲۳۹-۲۴۰.
۸۰. الفوائد السنیّة فی الرحلة المدنیة و الرومیة نام اثر مهم النهروالی است که در آن سفر خود به مدینه، و از آنجا به سوریه و از طریق آناطولی به استانبول را شرح داده است. در کتابخانه دولتی بایزید استانبول، ولی الدین افندی ش: ۲۴۴۰ (در فیش کتابخانه به صورت مجموعة الفوائد المتفرقة من التاریخ ثبت شده است.) موجود است. این سیاحت‌نامه للنهروالی، را ریچارد بروکمان به زبان انگلیسی ترجمه کرده است (Jour-ney to the sublime porte: Te Arabic Memoire of a Sharifian Agent,s Diplomatic Mission to the Ottoman Imperial Court in the era of Suleyman the Magnificent: the Relevant text from Qutb al-Dīn al-Nehrvali's al-Fawa'id al-sanīya fi al-rihla al-madanīya wa-l-rümīya, Beyrut: Orient Institut, 2005, s.208-210). برای متن نک: محمدکاظم رحمتی، "شهید ثانی و اطلاعی تازه در باره شهادت او، http://www.rahmati.hateban.com/centry1319. html, 16.01.2009. دون ژ. استوارت نیز در آخر مقاله‌اش متن را آورده است ("The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-'Āmilī"، p 347). در سیاحت‌نامه جهت جاهایی که زین‌الدین بیان شده نمره برگ‌ها ۱۵۶a-b داده شده است. اما هنگام کنترل مشاهده شد، ۱۴a-b بودنش درست‌تر است. رفعت بیلگه در اثر خود به نام لحظه‌ها و انسان‌ها در ترجمه برخی قسمت‌هایی که انجام داده، بخشی که این حادثه اتفاق افتاده موجود نیست. (آنکارا، ۱۹۹۷، صص۱۸-۲۵). اکرم کامل نیز توضیحات نهروالی درباره شهرهایی را که در ترکیه گشته است با یادداشت‌های الغزّی به صورت تطبیقی به ترکی برگردانده است. (ایمن فؤاد سید، "نهروالی"، دایرة المعارف اسلام دیانت، ج۳۲، صص۵۴۷-۵۴۸) اکرم کامل، در قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) سیاحت‌نامه غزی - مکه، از سیاحان عرب که سرزمین‌مان را گشته‌اند"، دانشگاه استانبول دانشکده ادبیات، نشریه سیمنار تاریخ، ۱ (استانبول، ۱۹۳۷، صص۳-۹۰) اکرم کامل ترجمه بخشی از سیاحت‌نامه را که واقعه اتفاق افتاده، تلخیص کرده است. ص۸۲. (چاپ فاکسیمیله اسلامیک جئوگرافی؛ ۱۹۴، ائدیت: فؤاد سزگین، فرانکفورت، ۱۹۹۴ (صص۱۷۷-۲۵۸) ص ۲۵۰. درباره نسخه برای اطلاعات عمومی [نک]: قطب‌الدین محمد بن احمد النهروالی، البرق الیمانی فی العصر العثمانی، نشر: حمد الجسر، ریاض: دار الیمامة، ۱۹۶۷، (مقدمه) صص۴۷-۵۳.
81. Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-'Āmilī ", s. 308.
۸۲. حسن الصدر، تکملة أمل الآمل، نشر: احمد الحسینی، قم: ۱۴۰۶، ص۲۱۵؛ البحرانی، لؤلؤة البحرین، صص۳۲-۳۳؛ روضات الجنات، ج۳، صص۳۸۱-۳۸۲؛ مستدرک الوسائل، ج۳، ص۴۲۸؛ الکنی و الألقاب: ج۲،

ص۳۸۴؛ معجم رجال الحدیث، ج۵، ص۳۷۷؛ ریاض العلماء، ج۲، ص۳۷۵؛ شرح اللمعة (مقدمه)، ج۱، ص۱۹۴.

۸۳. جهاد بنّون، حرکات النضال فی جبل عامل، بیروت: ۱۹۹۳، صص۸۵-۸۶؛ درویش، جبل عامل، صص۱۷۹-۱۸۰؛ تدمری، موسوعة العلماء المسلمین فی تاریخ لبنان الاسلامی (قرون ۶-۱۰ هجری)، بیروت: ۱۴۱۱/۱۹۹۰، ج۴، (۲. بخش)، صص۲۶۰-۲۶۱.

۸۴. التفرشی، نقد الرجال، قم، ۱۴۱۸، ج۲، ص۲۹۲.

۸۵. الحر العاملی، أمل الآمل، ج۱، صص۸۶ و ۳۶۴؛ میرزا عبدالله أفندی اصفهانی، بیانات تاریخ‌نگار صفوی، حسن روملو را ترجمه نموده و پس از بررسی، نادرست بودن سال ۹۶۵ که گفته شده است؛ و از بایستگی درست بودن سال ۹۶۶ دفاع می‌کند. (ریاض العلماء، قم، ۱۴۰۱، ج۲، ص۳۸۵).

۸۶. رضا مختاری در رابطه با تاریخ کشته‌شدن زین‌الدین به مطالب مسلّمی دست یافته و به این نتیجه رسیده است که سال ۹۶۵ درست است. نک: منیة المرید (مقدمه)، ص۱۲.

۸۷. حسن روملو، احسن التواریخ، نشر: عبدالحسین نوائی، تهران، ۱۹۷۹/۱۳۵۷، ص۵۲۰؛ قاضی احمد غفاری قزوینی، تاریخ جهان‌آرا، تهران، ۱۳۴۳، ص۳۰۴؛ عبدی بیگ شیرازی، تکملة التواریخ، نشر: عبدالحسین نوائی، تهران: ۱۳۶۹، ص۱۱۳.

۸۸. الدر المنثور، ج۲، ص۱۸۹؛ عبدالله الافندی، ریاض العلما، ج۲، ص۳۷۶؛ البحرانی، لؤلؤة البحرین، ص۳۴.

۸۹. النهروالی، الفوائد السنیة، a۱۴۰؛ بروکلمان، [جورنئ]، صص۲۰۸-۲۱۰؛ رحمتی، الشهید ثانی و اطلاعی تازه درباره شهادت او

http://www.rahmati.hateban.com/centry1319.html

16.01.2009؛ Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-DTn al-'AmilT", s. 347.

۹۰. الحر العاملی، أمل الآمل، ج۱، ص۹۱؛ نیز نک: الخوئی، معجم رجال الحدیث، بیروت، ۱۹۹۲، ج۸، ص۳۹۰؛ تدمری، موسوعة علماء المسلمین فی تاریخ لبنان الاسلامی: ج۴، (بخش ۲)، صص۲۶۰-۲۶۱.

۹۱. اعیان الشیعة، ج۷، ص۱۴۳.

۹۲. حسن روملو، احسن التواریخ، ص۵۲۰؛ قاضی احمد الغفاری قزوینی، تاریخ جهان‌آرا، ص۳۰۴؛ عبدی بیگ شیرازی، تکملة التواریخ، ص۱۱۳؛ البحرانی نیز آورده شدن زین‌الدین از طریق دریا به استانبول و کشته‌شدنش را ثبت نموده است. لؤلؤة البحرین، ص(؟).

۹۳. ریاض العلماء، ج۲، ص۳۸۵.

۹۴. الخوانساری، بیان التفرشی در نقد الرجال که "در قسطنطنیه کشته شد" را بررسی نموده و در راه کشته شدن زین‌الدین را تأیید می‌کند (روضات الجنات، نشر: اسدالله اسماعیلیان، تهران؛ قم: ۱۳۹۱، ج۳، صص۳۸۰-۳۸۱).

۹۵. الطهرانی، الذریعة، ج۲۶ (؟)، ص۲۱۹؛ إحیاء الداثر من القرن العاشر، ص۱۱۷؛ محمدکاظم رحمتی، «عبدالله سیرجانی و اطلاع مهم او در باره شهادت شهید ثانی»،

http://www.hi storvlib.com/Site/SViewDocument.aspx?DocID=1006&RT=List#. 11.02.2009.

۹۶. النهروالی، الفوائد، a۱۴۰؛

Blackburn, Journey, s. 208 ; Stewart. "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-'Āmilī " s. 333 :؛

اکرم کامل، سیاحت‌نامه غزّی - مکه از سیاحان عرب که کشورمان را در قرن دهم هجری (شانزدهم میلادی) گشته‌اند"، ص۸۲.

۹۷. الحر العاملی، أمل الآمل، ج۱، ص۹۱؛ الخوانساری، روضات الجنات، ج۳، ص۳۸۳.

۹۸. اعیان الشیعه، ج۷، ص۱۵۷.

۹۹. البحرانی، لؤلؤة البحرین، ص۳۴؛ الخوانساری، روضات الجنات، ج۳، ص۳۸۳.

۱۰۰. جعفریان، رسول؛ «پژوهشی درباره انتقال کتاب‌های کهن شیعی از سرزمین‌های عربی به ایران در آغاز دوره صفوی»، مقالات تاریخی، ج۴، قم: ۱۳۷۴ (صص۹۰-۱۰۹)، ص۹۷.

۱۰۱. صفت‌گل، منصور؛ ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران: ۱۳۸۱، ص۱۴۳؛ المهاجر، الهجرة العاملیة، ص۱۱۳.

۱۰۲. درویش، جبل عامل، ص۱۳۴؛ المهاجر، جبل عامل بین الشهیدین، ص۲۲۷؛ المهاجر، الهجرة العاملیة، ص۹۵.

۱۰۳. منصور صفت‌گل، ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، ص۱۴۴ و دیگر.

۱۰۴. نصرالله، تاریخ کرک نوح، ص۹۰ و در ادامه نمونه‌هایی از علمایی که از منطقه رفته و در خدمت صفویه مسئولیت پذیرفته‌اند. نیز نک: ص۹۹ و دیگر.

۱۰۵. برای داده‌ها نک: المهاجر، الهجرة العاملیة، صص۱۹۳ و دیگر.

۱۰۶. المهاجر، جعفر؛ متوجه این اعتراض شده است. اما باز هم تلاش دارد که تهاجم عثمانی‌ها را پیش بکشد. الهجرة العاملیة، ص۹۶.

۱۰۷. البحرانی، لؤلؤة البحرین، ص۳۴؛ صفت‌گل، ساختار، صص۲۵۹ و ۱۳۳. پاورق.

۱۰۸. الحر العاملی، أمل الآمل، ج۱، صص۹۰-۹۱.

۱۰۹. حسن روملو، احسن التواریخ، ص۵۲۰؛ غفاری، تاریخ جهان‌نما، ص۳۰۴؛ عبدی بیگ شیرازی، تکملة التواریخ، ص۱۱۳.

۱۱۰. حسن روملو، احسن التواریخ، ص۵۲۰.

111. Şerafettin Turan, Kanuni Süleyman Donemi Taht Kavgalari, Ankara : Bilgi Yaymevi, 1997, s. 28-9.

(شرف‌الدین توران، جدال تاج و تخت در دوره قانونی، آنکارا: انتشارات بیلگی، ۱۹۹۷، ص۲۸-۲۹.)

۱۱۲. صولاق‌زاده، صولاق‌زاده تاریخی، ج۲، صص۲۲۹-۲۳۵؛ حسن بیگ‌زاده

احمد، تاریخ، ج۲، صص۱۲۷-۱۳۲؛ منجم‌باشی تاریخی، ج۲، ص۵۶.

۱۱۳. Uzunçarşılı, Osmanlı Tarihi (اوزون‌چارشی‌لی، تاریخ عثمانی)، ج۲، صص۴۰۲-۴۰۳، ۴۰۶، ۵۴۹-۵۵۰؛ اوزون‌چارشی‌لی، «هنگام مرگ شهزاده وزیر اعظمی که دخالت داشته در دومین دوره صدارت وزیر اعظم نامه‌های بسیار تند رستم پاشا با سلطان سلیمان قانونی حاوی شکایت از آغای یئنی‌چئری‌ها»، Belleten, Cilt: XXXI. Sayi: 122, Ankara, 1967, ss. 191-200; Ş. Altundağ, Ş. Turhan, "Rüstem Paşa", iA, IX, s. 800-2; M. Tayyib Gokbilgin, "Rüstem Paşa ve Hakkindaki Ithamlar", istanbul Universitesi Edebiyat Fakültesi Tarih Dergisi, sayi 11-12, Istanbul, 1956, (بللتن، ج۳۱، شماره، ۱۲۲، آنکارا؛ ۱۹۶۷، صص۱۹۱-۲۰۰؛ ش. آلتون‌داغ. ش. تورخان، «رستم پاشا»، دایرة المعارف اسلام، ج۹، صص۸۰۰-۸۰۲؛ م. طیّب گوک‌بیلگین، «رستم پاشا و اتهامات درباره او»، نشریه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول، شماره ۱۱-۱۲، استانبول: ۱۹۵۶، صص۱۱-۵۰.)

۱۱۴. پچوی ابراهیم افندی، تاریخ پچوی، نشر: ب. س. بایکال، آنکارا: وزارت فرهنگ، ۱۹۸۱، ج۱، صص۲۷۱-۲۸۸؛ صولاق‌زاده، ج۲، صص۲۶۲-۲۸۹؛ منجم‌باشی، ج۲، صص۵۷۹-۵۸۴؛ حسن بیگ‌زاده، ج۲، صص۱۳۷-۱۳۹؛ شرف‌الدین توران، جدال تخت و تاج در دوره سلیمان قانونی، ص۹۷ و دیگر، ۱۳۷.

۱۱۵. حسن الصدر، تکملة أمل الآمل، نشر: احمد الحسین، قم: ۱۴۰۶، ص۲۱۵؛ المیرزا النوری، خاتمة المستدرک، قم، ۱۴۱۵، ج۲، ص۲۶۱.

۱۱۶. حسن روملو، احسن التواریخ، ص۵۲۰؛ غفاری، تاریخ جهان‌آرا، ص۳۰۴؛ عبدی بیگ شیرازی، تکملة التواریخ، ص۱۱۳.

۱۱۷. النهروالی، الفوائد السنیة، ۱۴۰a؛ بروکلمان، جورنی، صص۲۰۸-۲۱۰؛ رحمتی، «شهید ثانی و اطلاعی تازه درباره‌ی شهادت او». http://rahmati.kateban.com/entry1319.html، 2009.01.16؛ استوارت، «گزارشات عثمانی از زین‌الدین العاملی»، ص۳۴۷.

۱۱۸. أمل الآمل، ج۱، ص۱۸۳؛ اعیان الشیعة، ج۱۰، ص۶۰.

۱۱۹. کتابخانه دولتی بایزید، ۱۹۰۱۵، نک: فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، https://www.yazmalar.gov.tr/detay-goster.php?k=68767.

۱۲۰. او تصریح کرده است که این رساله را، به هدف رد روافض اثنی عشریه نگاشته است. کتاب البراهین، ص۸b.

۱۲۱. بدیع‌الدین احمد بن ابراهیم ابن الحنبلی، درّ الحبب فی تاریخ أعیان حلب، نشر: محمود الفاخوری، یحیی زکریا ابّاره، دمشق: ۱۹۷۳، ج۲، (بخش ۱)، ص۴۹۴.

۱۲۲. الغزّی، الکواکب، ج۳، ص۱۸۵.

۱۲۳. یک دوره قضاوت نمودن مؤلف در شهر صیدا در بیانات خود او نیز آمده است. («من وقتی که در شهر صیدا قاضی بودم ...»، ص۳۱a).

۱۲۴. الغزّی، الکواکب، ج۳، ص۱۸۷.

۱۲۵. ابن الحنبلی، درّ الحبب، ج۲، (بخش ۱) صص۴۹۴-۴۹۶؛ المحبی، خلاصه، ج۴، ص۱۶۲؛ محمد راغب بن محمود بن هاشم راغب الطبّاخ الحلبی، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، حلب: المطبعة العلمیة، ۱۹۲۶/۱۳۴۴، ج۶، ص۵۰؛ با اطلاعاتی که از همان منابع گرفته شده است، عمر عبدالسلام تدمری، موسوعة علماء المسلمین فی تاریخ لبنان الاسلامی (قرون ۶-۱۰ هجری)، بیروت ۱۹۹۰/۱۴۱۱، ج۴ (بخش ۲)، صص۲۵۹-۲۶۱. برای نمونه‌های اشعار نک: درویش محمد بن احمد الطالوی، سانحات دمی القصر فی مطارحات بنی العصر، نشر: محمد مرسی الخولی، بیروت: عالم الکتب، ۱۹۸۳، ج۱، ص۱۷۹ و دیگر. درباره زندگی و این اثر او برای اطلاعات بیشتر نک:

"Osmanlı Kadısı/Müderrisi Maruf b. Ahmed'in İmâmiyye Şiasına Eleştirileri", Marife, yıl:8, sayı:3 (ŞÎA sayısı, Kış 2008), Konya, 2009, ss. 331-348.

(آدم آریکان، انتقادهای قاضی - مدرس عثمانی، معروف بن احمد، به شیعه امامیه معرفه، سال ۸، شماره۳، (ویژه‌نامه تشیع، زمستان ۲۰۰۸)، قونیه، ۲۰۰۹، صص۳۳۱-۳۴۸.).

۱۲۶. از بیان «... روزگارمان سال ۹۶۴ ...» مذکور در کتاب، تاریخ نگارش اثر ۹۶۴ (۱۵۵۷) بودنش دانسته می‌شود. (کتاب البراهین، ص۲a).

۱۲۷. در نوشته‌ی پیشین خود درباره قاضی معروف، شهید ثانی را به عنوان مؤلف مسالک الافهام در داخل پرانتز بیان نموده بودیم؛ اما تصحیح می‌کنم که مشخص شد شخص محمد بن (ابی) جمهور [مؤلف آن اثر] بوده است. نک: انتقادهای قاضی - مدرس عثمانی، معروف بن احمد، نسبت به شیعه امامیه" ص۳۴۱. [شهید ثانی و ابن ابی جمهور هریک اثری به نام مسالک دارند مترجم]

۱۲۸. کتاب البراهین، ص۹۲b.

۱۲۹. کتاب البراهین: ص۹۳a.

۱۳۰. کتاب البراهین: ص۹۳a.

۱۳۱. ابن ابو جمهور (م. آغاز سال ۹۰۰ هجری)، ابتدا بر اساس مسالک الإفهام، حاشیه‌ای به نام النور المنجی من الضلال نوشته است. بر اساس آن باز حاشیه‌ای به نام المجلی لمرآت المنجی تألیف نموده است. قید شده که به سال ۱۳۲۴ چاپ شده است. محمد محسن آغا بزرگ الطهرانی، الذریعة و التصانیف الشیعة؛ بیروت: ۱۹۸۳، ج۷، ص۱۱۰؛ ج۲۰، ص۱۳؛ ج۲۴، ص۳۷۷؛ در رابطه با زندگی ابن ابی‌جمهور برای منابع و دیگر اطلاعات نک: صمد موحّد، «ابن ابی جمهور»، http://www.cgie.org.ir/shavad.asp?id=130&avaid=790. ,09.02.2009

۱۳۲. کتاب البراهین، ص۹۶b.

۱۳۳. [کتاب شیعه: نقل شیخ حر بهترین دلیل بر دخالت قاضی معروف در شهادت شهید است هیچ دلیلی وجود ندارد که وی بی جهت او را وارد ماجرا کرده باشد].

۱۳۴. ابن الحنبلی، در الحبب فی اعیان حلب، ج۲، (بخش ۱) صص۴۹۴-۴۹۶؛ الطبّاخ الحلبی، اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، ج۶، ص۵۰؛ از اطلاعاتی که از همان منابع گرفته شده است عمر عبدالسلام التدمری، موسوعة علماء المسلمین فی تاریخ لبنان الاسلامی (قرن‌های ۶-۱۰ هجری)، ج۴ (بخش ۲)، صص۲۵۹-۲۶۱.

۱۳۵. الدر المنثور، ج۲، ص۱۷۴.

۱۳۶. دون ج. استوارت، باید آگاهی‌های داده شده ابن الحنبلی را دیده باشد. او، در منابع با درنظرگرفتن زندگی کسانی که با قاضی معروف در ارتباط بوده‌اند، تلاش نموده و قاضی صیدا نبودن او در این تاریخ را مطرح نموده است. "اعدام زین‌الدین العاملی توسط عثمانی"، صص۳۱۰-۳۱۱.

۱۳۷. درویش، جبل عامل، صص۲۹ و ۳۷؛ krş. Abu Husayn, View from Istanbul, s. ۱۳۵؛ المهاجر، جعفر؛ الهجرة العاملیة، ص۹۳؛ برای کلیّت جغرافی استان صفد نگاه کنید به:

H. Rhode, "The Geography of the Sixteenth Century Sancak of Safad," Archivum Ottomanicum, sayi: 10, (1985), New York, Harrassowitz Verlag, s. 179-218.

۱۳۸. او علیحده به دیدگاه‌های زین‌الدین و فرزندش پرداخته و سبب کشته شدن او را عالمان سنی و به برقراری روابط و خوانده‌شدن کتاب‌هایش نیز اشاره نموده است. الخوانساری، روضات الجنات، ج۳، ص۳۸۲.

۱۳۹. الدر المنثور، ج۲، ص۱۷۴.

۱۴۰. تدمری، موسوعة علماء المسلمین فی تاریخ لبنان الاسلامی: ج۴، (بخش ۲) صص۲۶۰-۲۶۱؛ برای نمونه یکی از پژوهشگرانی نیز که این دوره را مورد پژوهش قرار داده، با منبع قراردادن أمل الآمل به کوثرانی حواله داده است که کشته‌شدن زین‌الدین را بیان نموده است. (Mehmet Çelenk, 16. ve 17. Yüzyıllarda Safevi Şiiliği [= مئحمت چلنک، تشیع صفوی در قرون ۱۶ و ۱۷] تز منتشر شده دکتری)، Uludag Universitesi Sosyal Bilimler Ebstitüsü Temel islam Bilimleri Anabilim Dali Islam Mezhepleri Tarihi Bilim Dali, Bursa. 2005, s. 183, 613. dipnot. (انستیتوی علوم اجتماعی دانشگاه اولوداغ، شاخه اصلی علوم اسلامی پایه، رشته تاریخ علم مذاهب اسلامی، بروسه، ۲۰۰۵، صص۱۸۳ و ۶۱۳، پانویس.). کسروی، پس از بررسی ثبت‌های موجود در این منبع (Vecih Kevserani. Osmanlı ve Safevilerde Din-Devlel ilişkisi, fev. Muhlis Canyürek, Denge yay, Istanbul 1992, s. 109-112) وجیه کوثرانی، روابط دین - دولت در عثمانی و صفوی، ترجمه: مخلص جان‌یورک، دنگه یای، استانبول، ۱۹۹۲، صص۱۰۹-۱۱۲)، درباره قاضی صیدا، معروف، تعبیرات سنگینی را به‌کار برده است.

۱۴۱. النهروالی، الفوائد السنیّة، a-۱۴۰: Blackburn, Journey, s. 208-210؛ رحمتی، «شهید ثانی و اطلاعی تازه درباره‌ی شهادت او»، http://rahmati.kateban.com/entry1319.html، 2009.01.16؛ Devin J. Stewart, "The Ottoman Execution of Zayn al-Dīn al-'Āmilī", p347. (استوارت، «گزارشات عثمانی از زین‌الدین العاملی»، ص۳۴۷).

۱۴۲. [کتاب شیعه: هیچ استبعادی ندارد که این فرد قاضی معروف بوده است].

تتمّة الرحلة العراقية

عبدالصمد عاملی شیخ حسین بن
تحقیق و ترجمه: یوسف طاجه
أستاذ في الجامعة اللبنانية
راجعه: العلامة السيد عبدالشار الحسيني

چکیده: شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهایی) طی نامه‌ای به استادش شهید ثانی، نکات جغرافیایی عراق و مسیر آن، و نیز جزئیات سفر خود به آن دیار به ویژه کربلا را باز می‌گوید چنانکه در اواخر رساله به صورت نظم بیان کرده است.

کلید واژه: عاملی، حسین بن عبد الصمد؛ شهید ثانی - شاگردان؛ سفرنامه ها - عراق؛ عالمان شیعه - قرن دهم هجری؛ حوزه علمیه جبل عامل.

مضمون رسالة الشيخ حسين بن عبد الصمد الحارثي العاملي إلى أستاذه الشهيد الثاني لمّا ترك جبل عامل مهاجرا في طريقه إلى العراق

وصف المخطوطة

تقع مخطوطة تتمة الرحلة العراقية في عشر صفحات، وهي موجودة في مكتبة مجلس الشورى الإسلامي في طهران،ضمن المجموعة رقم ۱۶۷۲، من الصفحة ۳۳۱ إلى الصفحة ۳۴۰، ذكرت في فهرسها(ج۴، ص ۴۰۰)؛كتبها أحمد بن الحسين الإصفهاني عام ۱۰۴۸هـ، وهي في القطع طول الصفحه ۲۰ سنم وعرض ۱۶ سنم، تحوي كل صفحة ۱۷ سطرا، ما عدا الصفحة الأخيرة التي احتوت على عشرة أسطر؛ وسطر أخير على شكل نصف دائرة، ملتف على الأسطر الأربعة الأخيرة

السنة الثانية، العدد الأول
ربيع الآخر - شوال ١٤٣٢هـ

Vol. 2 No. 1
March-september 2011

كِتابُ الشيعَة

٣ 3

The Shiite Book

Codicology and Criticism

تعنى بالتراجم والتراث والمخطوطات والوثائق الشيعية

مجلّة نصف سنوية تُصدرها
مؤسسة تراث الشيعة

A Biannual Journal of
Shiite Bio-Bibliographical Institute

إبراهيم بن أبي الكرام الجعفري — Ibrahim Ibn Abi Al-Kerām Al-J'afary

تقييم كتب طبقات الإماميّة في مايتعلّق بمقتل زين الدين العاملي — The Evaluation of Forged Parts of the Books of Tabaghāt Imamie Considering the Murder of Zein Al-Din Al-Ameli

الرحلة العراقيّة — Al-Rahle Al-Araghie

السيّد جعفر الكشفي الدارابي البروجردي — Seyyed J'afar Kashfi Dārābi Borujerdi

سيرة آية الله السيّد صدر الدين الصدر — Ayatollāh Seyyed Sadr Al-Din Sadr's Biography

السيرة الذاتيّة للمولى أحمد النراقي — Mollā Ahmad Narāqi's Biography and Mollā Mahdi Narāqi's Biography Written by his Son

إجازة ابن الحسام العيناثي العاملي — Ibn Al-Hesām Al-'aināsi Al-Ameli's License

وقفيّة الأمير محمّد بن ناصر الدين الحنش على مقام نوح في الكرك — Vaghfie Al-Amir mohammad Ibn Nāser Al-Din Al-Hanash alā Maghām Nouh fi Al-Kork

تقريظ كاشف الغطاء لكتاب الذريعة — Kāshef Al-Ghatā's favorable review on Al-Arize

تعريف بكتاب النهاية للشيخ الطوسي — Sheikh Tousi's Nahaye: a Report

حول كتاب فقه الرضا؟ع؟ — The Bibliography of Fiqh Al-Reza

قبسٌ من العدالة الإسلاميّة نظرةٌ خاطفة على صفحات مجلّة العدل الإسلامي — A Ray of Islamic Justice Al-Adl Al-Islami: A Review

ملحق تكملة أمل الآمل
المهاجر العاملي الشيخ حبيب آل ابراهيم — Molhagh Takmele Amal Al-Amel

مؤسسة تراث الشيعة
الجمهورية الإسلامية الايرانية، قم المقدسة
sh.Book@al-athar.ir

Qum, Iran
Shiite Bio-Bibliographical Institute
www.al-athar.ir

Design
Hassan Mokhtari
2012 AD

۳

ویژهٔ تراجم

کتاب شناسی، نسخه‌پژوهی، نقد کتاب

کتاب شیعه

سال دوم، شمارهٔ اوّل، بهار و تابستان ۱۳۹۰

دو فصلنامهٔ تخصصی مؤسسهٔ کتاب‌شناسی شیعه

ISSN 2228-5679



کتاب پنجاه و ششم ملحق کملة أمل الآمل

وفقیة الأمیر محمد بن أبی الکرام الجعفری
ابراهیم بن أبی الکرام الجعفری
نوح فی «الکرکی» ارزنابی خطاهای کتب طبقات
امامیه در ارائهٔ به قتل رسیدن زین‌الدین العاملی
تتمة الرحلة العراقیة، یادی از محمدشریف
کشمیری سید جعفر کشفی دارابی
بروجردی احوال و آثار میرزا محمود
بروجردی علامه میرزا یحیی
مستوفی بیدآبادی شرح
حال آیة‌الله سید
صدرالدین صدر آیة‌الله حاج آقا حسین
بروجردی از دیدگاه آیة‌الله شیری زنجانی شرح
حال و آثار سید سعید اخترروضوی خاندان مولانا
از سید ابوالحسن مولانا شرح حال ملا احمد نراقی
و شرح حال ملا مهدی نراقی از زبان فرزندش
سرگذشت خود نوشت آیة‌الله سید احمد زنجانی
به ضمیمه یک اجازهٔ روایی و ترجمهٔ علمای
زنجان سرگذشت خودنوشت دکتر ابوالقاسم
گرجی در وقفنامهٔ عبد الباقی بن
صدرالدین محمد فیضی
نوشتاری از علامه سید
عبدالرزاق مقرّم در مورد
جناب میثم عمّار

سه سند از علامه شیخ محمد
حسین کاشف الغطاء از سید حسن صدر دربارهٔ
العاملی للسید عزالدین الساری اجازات تعدادی
از بزرگان به امجد حسین الهٔ آبادی اجازهٔ میرزا
محمد عسکری تهرانی اجازات عده ای از
بزرگان به شیخ محمد بشیر انصاری
تقریظ کاشف الغطاء بر
الذریعه یادداشت آیة الله
سید حسن صدر دربارهٔ
عماد الاسلام
سید دلدار علی کتاب‌شناسی فقیه الرضا جُنگی
رازی، نسخهٔ شمارهٔ ۱۷۳۸۰ کتابخانهٔ مجلس
شورای اسلامی نسخه ای از کتاب مناهج الیقین
تألیف علامه حلی، تاریخ کتابت ۷۶۳ق نسخه
ای از بصائر الدرجات خطّی سفینهٔ نوح نهایه
نسب در برخی نسخه های خطّی سفینهٔ نوح، سلسله
شیخ طوسی پرتوی از «عدالت اسلامی» برخی از منشورات
بر مجلهٔ «العدل الاسلامی» معرفی فصلنامه‌ی
حرم امیرالمؤمنین «الحیاة الطیبة» همایش شهیدین
در لبنان و سفر به سوریه و
لبنان (از چهارم تا هفدهم
خرداد ۱۳۹۰)

بسم الله الرحمن الرحيم



ISSN 2228-5679
دو فصلنامه تخصصی مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه
سال دوم، شمارهٔ اوّل، بهار و تابستان ۱۳۹۰

صاحب امتیاز: مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه
مدیر مسؤول: رضا مختاری
سردبیر: عبدالحسین طالعی
مدیر اجرایی: عباسعلی مردی
مدیر هنری: حسن مختاری
طراح گرافیک: خم
نظارت بر چاپ: مرصاد مهاجر

مشاوران علمی: ابو الفضل حافظیان / علی اکبر زمانی نژاد / محمدتقی سبحانی / حسن طارمی / محمد مهدی معراجی / رضا مختاری / سید جواد ورعی

حروفچینی: فاطمه جعفری، فاطمه مردی
نادر بریق
چاپ و صحافی: چاپخانه بزرگ قرآن کریم
قیمت: بیست هزار تومان
چکیده‌نویسی: عبدالحسین طالعی
ترجمه انگلیسی: مریم علیزاده
ترجمه عربی: محمد حسین حکمت

• کتاب شیعه از آثار پژوهشگران در موضوع تراجم، کتاب شناسی، نسخه پژوهی و نقد کتاب استقبال می کند • مقالات مندرج در کتاب شیعه مبین آراء نویسندگان آنهاست • کتاب شیعه در ویرایش مطالب آزاد است • نقل مطالب کتاب شیعه با ذکر منبع آزاد است.

نشانی: قم، صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۹۱۶
تلفن و نمابر: ۰۲۵۱-۷۷۴۲۸۵۰
sh.book@al-athar.ir
www.al-athar.ir

فهرست مطالب

ابراهیم بن ابی الکرام الجعفری سورمری ۱۰

دو قصیده در رثای معلم امت شیخ مفید ۱۵

تتمة الرحلة العراقية ۴۷

وقفیة الأمیر محمد بن ناصر الدین الحنش علی مقام نوح فی «الکرک» ۲۱

من رسالة للشیخ حسین بن عبد الصمد والد الشیخ البهائی ۶۰

مقالات

آرزهایی خطاهای کتب طبقات امامیه

یادی از محمد همایون ۱۱۶

در بارهٔ به قتل رسیدن زین الدین العاملی* ۳۱

علامه میرزا یحیی مشتوفی بیدآبادی ۷۹

یادی از محمد شریف کشمیری از علمای قرن یازدهم، شاگرد میرداماد ۶۳

سید جعفر کشفی دارابی بروجردی ۶۵

احوال و آثار میرزا محمود بروخردی ۷۲

شرح حال آیة الله سید صدر الدین صدر ۸۴

آیة الله حاج آقا حسین بروجردی از دیدگاه آیة الله شبیری زنجانی ۱۰۰

شرح حال و آثار سید سعید اختر رضوی ۱۲۱

خاندان مولانا از سید ابوالحسن مولانا ۱۳۴

اسناد، مکتوبات و وصایا

شرح حال چند تن از علما خاندان شیخ انصاری ۲۰۲

دو نامه خطاب به علامه سید نجم الحسن هندی ۲۰۶

سه سند از علامه شیخ محمد حسین کاشف الغطاء ۲۱۴

نوشتاری از علامه سید عبد الرزاق مقرم در مورد جنایت تمام ۲۱۱

دو وقفنامه عبد الباقی بن صدر الدین محمد فیضی ۲۰۴

فتواهای جهاد در سال ۱۳۳۷ قمری ۲۰۷

مکاتبه عالم سنی بغداد و عالم شیعی اصفهان در مورد قادیانی گری ۲۱۲

سندی از شهید سید مجتبی نواب صفوی (م ۱۳۷۵) ۲۱۷

زندگی‌نامه‌های خودنوشت

۱۴۸ شرح حال ملا احمد نراقی
شرح حال ملا مهدی نراقی به روایت فرزندش

۱۸۳ سرگذشت خودنوشت آیت‌الله سید احمد زنجانی
به ضمیمه یک اجازه روایی و ترجمه علمای زنجان

۱۵۱ سرگذشت خودنوشت ملا آقا خوئینی زنجانی

۱۵۶ سرگذشت خودنوشت صدرالاسلام علی اکبر همدانی

۱۶۷ سرگذشت خودنوشت علامه سید محمد شنکایی

۱۷۴ سرگذشت خودنوشت حاج شیخ غلامرضا فقیه خراسانی

۱۷۶ سرگذشت خودنوشت محمد بشیر انصاری

۱۹۱ سرگذشت خودنوشت استاد حاج طاهر خوشنویس تبریزی

۱۹۳ سرگذشت خودنوشت سید علی علامه فانی

۱۹۶ سرگذشت خودنوشت دکتر ابوالقاسم گرجی

نسخه‌شناسی و کتاب‌شناسی

۲۷۲ کتاب‌شناسی فقه الرضا

۲۸۱ جنگ مازندرانی
نسخه شماره ۸۳۷ کتابخانه مجلس شورای اسلامی

۲۸۲ نسخه‌ای از کتاب منابع الیقین تألیف علامه حلی، تاریخ کتابت ۷۶۴ ق

۲۹۲ نسخه‌ای از بصائر الدرجات صفار قمی، و سلسله نسب در برخی نسخه‌های خطی

۲۹۸ سفینه نوح

۳۰۶ مجموعه ارزشمند شماره ۱۶۵۷۴ - ۵ کتابخانه ملی

اخبار علمی و فرهنگی

۳۳۲ همایش شهیدین در لبنان
و سفر به سوریه و لبنان از چه رهگذر تا چه مقصد هم خرداد

۳۴۰ گفتگو با نویسنده سفرنامه‌ای به شرق آفریقا

۳۵۴ نامه‌ها

پیوست کتاب

۳۶۰ ملحق تکملة أمل الأمل

سال دوم شماره اول
بهار و تابستان ۱۳۹۰

احازات و تقریظات

۲۲۲ مراقرن للسید عزالدین السید

۲۲۷ اجازهٔ ابن الحسبا العینائی العاملی

۲۳۳ اجازهٔ میرزا محمد عسکری نجفی

۲۴۱ اجازهٔ عده ای از بزرگان به شیخ محمد بشیر انصاری

۲۲۸ دو تقریظ بر کتاب الدخر الرائع فی شرح مفاتیح الشرائع نوشتهٔ سید عبدالله جزائری (متوفی ۱۱۷۳)

۲۳۰ تقریظ مولی زین العابدین مازندرانی بر کتاب الفقه الاصیل نوشتهٔ سید حسین کاشانی (۱۲۸۵ ه)

۲۴۲ تقریظ علامه سید محسن امین عاملی (م ۱۳۷۱) بر اوائل المقالات چاپ واعظ چرندابی

۲۴۶ تقریظ کاشف الغطاء بر الذریعه

نکته‌ها و فوائد نسخه‌ها

۲۵۴ سه نکته در باب آخوند خراسانی

۲۶۰ فراتر از اکرانه‌ها اصول و روش تجربیاتی در ترجمه بخش‌هایی از ادبیات حسینی به زبان انگلیسی

۲۶۱ شرط شیخ حسن جزائری برای تجدید نظر دیگران در آثارش

۲۶۲ دو نکته دربارهٔ آثار وحید بهبهانی

۲۶۸ نکته‌ای درس آموز از مرحوم آیه‌الله سید محمد عصار

۲۷۰ یادداشت آیه‌الله سید حسن صدر کاظمی دربارهٔ عماد الاسلام سید دلدار علی

نقد و معرفی

۳۱۰ نهایهٔ شیخ طوسی

۳۱۹ معرفی منشورات مؤسسهٔ کتاب شناسی شیعه

۳۲۳ پرتوی از عدالت اسلامی

۳۳۱ انتشار موفقیت آمیز سال دوم نشریهٔ مصباح

۳۱۲ دفاء فی العتبة الحسینیة المقدسة

۳۱۴ معجم الفقهاء الخطباء

۳۱۷ ذکریات فی مسیرة الحکم الوطنی فی العراق

۳۲۴ برخی از منشورات حرم امیرالمؤمنین علیه السلام

۳۲۶ معرفی فصل نامه‌ی « الحیاة الطیبة »

سال دوم
شماره اول
بهار و تابستان ۱۳۹۰